

تقدیم به زنان زحمتکش میهن، که بدون شرکت آنان در مبارزه اجتماعی، هیچ انقلابی به پیروزی نخواهد رسید.

کارگر، به پیش!

شماره ۳



از انتشارات حوزه‌ای

(سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر)

آرشیو اسناد ۱۰ فروردین ۱۳۵۸ راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

توضیح

اسمی که از رفیق کارگری، با ۵۵۰ در نشریه آورده میشود همچنین مقاله ها ومطالبی که از واحدها ی تولیدی گوناگون چاپ میشود و ۵۵۰ خلاصه هرگونه اشاره ای به بهبیح عنوان نشانه وابستگی یا ارتباط سازمانی این افراد و موسسات به سازمان نبوده، و صرفاً جنبه خبری دارد

■ همانطور که در شماره قبلی "کارگر، به پیش" توضیح دادیم، این نشریه توسط یکی از حوزه های سازمان ماتهیه وتدوین میشود. سیا - ست سازمان یا در این رابطه اینست که حوزه ما، که مستقلاً این نشریه را تهیه میکند در چار چوب نظرات و سیاستهای اعلام شده سازمان، حرفهایش را بزند. یعنی ما از لحاظ تشکیلاتی فقط در چارچوب مواضع اعلام شده سازمان میتوانیم کارکنیم و اگر قرار باشد راجع به مسئله جدیدی نظر بدهیم، ابتدا باید از لحاظ سازمانی، نظر کل سازمان اعلام شود، این عمل توسط مرکزیت سازمان که از طرف اکثریت سازمان در سطح جنبش انقلابی ایران نظر میکنند، انجام میگردد. در حالی که مادر شماره قبلی (شماره ۲) در مقاله این نشریه (وظیفه ونقش طبقه کارکرد دولت کنونی) مطالبی را نوشتیم که نظر سازمانی نبود. یعنی قبل از اینکه سازمان ما نظرش را راجع بشرایط سیاسی امروز، دولت ونقش طبقات واقشار راجع ارائه کرده باشد، ما به بیان نظراتمان که در واقع فقط منعکس کننده نظر حوزه ما میباشد پرداختیم و از این لحاظ اشتباه کرده ایم که بدینوسیله بآن انتقاد میکنیم و از شما نیز میخواهیم که در مقاله قبلی را فقط نظر حوزه ما دانسته ومنتظر موضوعی سازمان در سطح جنبش ونیروهای انقلابی باشید.

■ ما در طی هفته های اخیر، شاهد مزاحمت هائی بوده ایم که از جانب برخی از گروههای ارتجاعی و عقب مانده، به کارگران و اشخاص وارد آمده که از آنها نامی در نشریه برده شده، بدینوسیله لازم بتذکر میدانیم که: هر گونه اشاره ای که به کسی یا گروهی یا موسسه ای میشود و هر

در این شماره:

- توقیف " کارگر، به پیش" یکجا رسید؟ ۲
- تفرقه چیست؟ تفرقه انداز کیست؟
و چه کسانی از تفرقه سود میبرند؟ ۳۰۰۰۰۰۰۰
- گل دادن و گلوله گرفتن نمرده است ۹
- نقش زنان مبارز در پیروزی انقلاب ۱۵۰۰۰
- یک نمونه از مبارزات زنان کارگر ۱۷۰۰۰
- هسته سیاسی کارگری و وظایف آنها ۱۹۰۰۰
- قطعنامه کارگران بیکار و اخرجی کارخانجات شهر تبریز ۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- در کردستان چه میگردد؟ ۲۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- نظام سرمایهداری و اشکال مختلف پرداخت مزد ۲۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- خواسته های "شورای موسسات اتحادیه سراسری کارگران ایران" ۳۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- شورا های کارگری چگونه بوجود آمدند؟ ۳۵
- اگر شورا مطابق منافع کارگران نبود، چه باید کرد؟ ۳۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- قطعنامه صیادان با بلسر ۳۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- قتل یک کارگر توسط سرمایهدار ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- نظرات سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
- درباره برنامه دولت موقت انقلابی ۴۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

توقیف کارگر، به پیش (شماره ۲) بکجا رسید؟

در ساعت ۶ صبح روز چهارشنبه ۱۶ اسفند ماه سال گذشته، فرد مسلح از طرف کمیته غیابی (میدان خراسان) به چاپخانه زندگی در خیابان فردوسی تهران حمله برده و با تهدید کارگران چاپخانه، حدود ۲۰۰۰ نسخه از نشریه "کارگر، به پیش" شماره ۲ را که آمادهٔ پخش بود، با خود میبرند. بعد از این جریان، رفقای سازمان ما به کمیته‌های مختلف از جمله کمیتهٔ غیابی، دولاب، ژاله، و... سر میزنند و سراغ نشریات توقیف شده را میگیرند. اما نشریه پیدان نشده و مسئولین این کمیته‌ها، توقیف و جمع آوری نشریات را اقدامی غیر انقلابی خواندند.

در همین جریان، شورای ناشران و کتاب فروشان منطقه، دانشگاه تهران نیز این عمل را بدست محکوم کرده و در پی تماس با رهبران و مقامات مسئول کشور و از جمله با نمایندگان آیت الله طالقانی برآمدند. در منزل آیت الله طالقانی، این عمل بدست محکوم شد. سازمان ما نیز طی اعلامیه‌ای خطاب به نخست وزیر، آقای بازرگان، ضمن محکوم نمودن این عمل، خواستار جرایم و جرمی ایشان نسبت به عمالی شد که زیر چتر حکومت ایشان صورت میگیرد. اما هرگز خبری نشد.

از آنجا که افراد مسلح حمله کننده به چاپخانه، کارت کمیته ما را در دست داشتند، احتمال اینکه نشریات در یکی از کمیته‌ها ضبط شده باشد، بسیار زیاد بود. در جستجوهای بعدی

با این نتیجه رسیدیم که نشریات توقیفی در کمیته غیابی نگهداری میشود. مسئولین این کمیته با توجه به مدارک غیر قابل انکار که نشان میداد نشریات در آنجاست، ناچار اعتراف کردند که این عمل بوسیله آنها انجام گرفته است. جالب توجه اینجاست که همین آقایان قبلاً در مراجعه رفقای ما، منکر توقیف نشریه شده و آنرا عملی غیر انقلابی خوانده بودند. به این ترتیب معلوم شد که چگونه غیر انقلابیها خود را درجا مدولباس انقلابیون جازده و در رأس کمیته‌هایی که باید حافظ انقلاب و آزادیهای آن باشند، قرار گرفته‌اند.

این آقایان در جواب سؤالاتی که پرسیده بودند چرا نشریه را توقیف انداخته بودند: "چون از کتب ضاله" بود. - همین جهت آنرا توقیف کردیم! میدانیم رفقای کارگر که شما هم با خواندن این جمله بی اختیار بیادسان و رجزهای رژیم سابق افتادید که انقلابی‌ترین و آگاه‌کننده‌ترین نشریات و کتب راجع آوری میکردند تنها با این دلیل که آنها "ضاله" هستند!

تا کنون علیرغم تمامی تلاشهای رفقای ما، آیت الله طالقانی و شورای ناشران و کتاب فروشان منطقه، دانشگاه تهران، این کمیته حاضر به پس دادن نشریات توقیفی نشده است. اما برآستی تا چند روز این باصطلاح پاسداران آزادی غافلند که نمیتوانند این مسئله را درک کنند که مادرشرا بطحفا و دیکتاتورهای جهنمی و خونبار رژیم پهلوی، سالهای سال مبارزه کردیم و نشریات خود را در آن شرایط چاپ و پخش کردیم. آنوقت توقیف این نشریات تا چند میتواند مانع کار و فعالیت ما شود؟ ما علیرغم اینکه این آقایان هنوز از آزاد کردن نشریه، ما خودداری میکنند، اما بزودی "کارگر به پیش" شماره ۲ را مجدداً منتشر خواهیم کرد، تا خلق ما و بخصوص کارگران با خواندن آن، خود قضاوت کنند.

انفرقه چیست؟

تفرقه انداز کیست؟

و چه کسانی از تفرقه سود می‌برند؟

انقلاب"، "بحث بعد از مرگ شاه". و معمولاً با این حرفها از بحث کردن، از روشن کردن حقایق با زگونمودن اشکالات کارمان جلوگیری میکردند و بالاخره بحث را بهم میزدند. ما در آنروزها و مدتی پیشتر از آنجا که علامیه‌ها بعضی از این گروههای سیاسی را ره میگردند، بیانه آنها این بود که این اعلامیه‌ها "کمونیستی" است آنها اجازه نمیدادند که کسی این اعلامیه‌ها را بخواند و خودش هم نمیخواندند. بعداً هم دیدیم که خیلی از حرفها که توی اعلامیه‌ها نوشته شده بود، درست از آب در آمد. اینرا هم نباید فراموش کرد که در میان هر دو طرف کسانی بودند که نمیتوانستند با همدیگر بتوافق بیشتری برسند. اینها آدمها و گروههایی مترقی بودند. برای آنها تفاهت‌ناشت که یکی مذهبی باشد و یکی کمونیست. آنها میگفتند ما دشمنی داریم که خطرناک است و باید برائی نابودی قطعی و متحدشویم و با هم بر علیه او بجنگیم. اما بعضی دیگر از همان گروهها و افراد مذهبی میخواستند که فقط بحرفهای آنها گوش داده شود و به هیچکس حق حرف زدن را نمیدادند، و همه چیز را بعد از انقلاب موکول میکردند.

● حال بیبینیم امروز اوضاع از چه قرار است؟

امروز توده‌های مردم خودشان و بخواست خودشان اسلحه بدست گرفتند. قیام کردند و بالاخره مبارزه آنها در یک قسمت به نتیجه رسید. رژیم سلطنتی برچیده شد. اما کار تمام نشده است.

برای اینکه موضوع روشنتر شود، قدری به عقب برمیگردیم. برمیگردیم به حدود یک یا دو ماه پیش، یعنی قبل از قیام مسلحانه توده‌های خلقهای تحت ستممان. در آن موقع قدرت جهانی رژیم شاه جلادیمقدار زیادی متزلزل شده و توده‌های مردم بهمت مبارزات و جانفشانیهایشان توانسته بودند محیطی بوجود بیاورند که بتوانند در اینجا و آنجا، در دانشگاه، در مرحله‌ها، جلو کارخانه‌ها و... جمع شوند، سخنرانی کنند، به سخنرانی‌های گوش بدهند و در باره مسائل سیاسی و اجتماعی میهنشان بحث کنند. در آن موقع شاه بودیم که کسانی همیشه سعی میکردند این بحثها را بهم بزنند، بعضی‌تظارا بهم بزنند، از اجتماع کارگران و دانشجویان طرفدار آزادی طبقه کارگر و با گروههای سیاسی که خواهان آزادی واقعی کارگران و طبقات ستمدیده و محروم جامعه هستند، جلوگیری کنند و... در این بحثها معمولاً وظاهر هر دو طرف با رژیم شاه، با نفوذ و حاکمیت امپریالیسم آمریکا مخالف بودند و بر سرنا بودی رژیم شاه و اربابان او توافق داشتند و لی عقایدشان و با بقولیا یدئولوژی‌شان با همدیگرتفاوت داشت. به بیان دیگر دو طرف بحث کسانی بودند که دشمن مشترکی داشتند. اما یکطرف از زیر بحث فرار میکرد، از نزدیک شدن و وحدت همه نیروهای انقلابی‌گریزان بود. کوشش میکرد که انقلاب توده‌ای را فقط بحساب یک عقیده و طرز فکر بگذارند. مبارزه دیگران را بحساب نیاورده و... آنها همیشه میگفتند: "بحث بعد از

وزرات کار (روز جمعه ۱۵ اسفند) تشکیل شده بود و در حضور وزیر کار، این موضوع را مطرح کرد. از تماس دانشجویان با کارگران جلوگیری میکنند، دانشجویانی که حقیقتاً خواستار آزادی طبقه کارگر هستند و وظیفه شان را در این میدانند که با کارگران تماس بگیرند، بآنها نشان بدهند، بآنها کمک کنند تا حقوقشان را از کارفرما بگیرند. گروههای مبارز سیاسی که پایه و مبنای حرکتشان را آزادی طبقه کارگر قرار داده اند میخواهند ارتش عظیم کارگران را متشکل کنند و بآنها بیاموزند که چگونه تشکّل سیاسی مخصوص بخودشان را یعنی حزبشان را بوجود بیاورند. ولی از این کار بهر شکل که باشد از راههای مختلفی جلوگیری میشود. آدمهای مبارزی را که اعلامیه پخش میکنند و یا میخواهند اعلامیه های بدیوار بچسبانند دستگیر میکنند، و گاه کتک میزنند. اما دلایلشان چیست؟ وقتی سؤال کنی که چرا چنین میکنید؟ فوراً میگویند اینها کمونیست هستند، کمو - نیستها تفرقه میاندازند، کمونیستها میگویند خدا نیست کمونیستها اخلالگر هستند و ۰۰۰۰۰۰ اما ببینیم که آیا واقعاً کمونیستها چنین کارهایی میکنند؟ آیا کمونیستها تفرقه میاندازند؟ آیا کمونیستها اجتماعات کارگری دانشجویی، مردم دیگر و ۰۰۰ را بهم میزنند؟ آیا کمونیستها به کسی فحش میدهند؟ کسی را کتک میزنند؟ و ۰۰۰؟ هیچکس تا بحال چنین خبری را نیاورده است. پس چرا به کمونیستها ازین اتهامات میبندند؟ قبل ازینکه به این سؤال جواب بدهیم این نکته را باید توضیح بدهیم که در جامعه طبقاتی یعنی جامعه ای مثل جامعه ما که از طبقه کارگر، دهقان، طبقه متوسط، سرمایه دار و ۰۰ تشکیل شده است هیچوقت نه کمونیستها، نه مذهبیها و نه اقشار دیگر اجتماعی همگی یکدست نیستند. همانطور که مذهبیهای جورواجوری داریم - بهمان نسبت هم کمونیستهای مختلفی داریم.

فعلاً این قسمت وارد نمیشویم. صحبت را دربارۀ مطلب مورد بحثمان ادامه میدهیم.

آنها که میگفتند "بحث بعد از پیرریزی"، "بحث بعد از مرگ شاه" و بآنوسیلۀ از روشن شدن ذهن توده های کارگر و مردم زحمتکش جلوگیری می - کردند، امروز از در دیگری وارد شده اند. آنها حرف خودشان را هم بخاطر نمیآوردند که میگفتند: "بحث بعد از پیروزی". حرف بر سر بحث کردن نیست. حرف بر سر اینست که ما با بدراجع بمسائل اجتماعی و سیاسی میهنمان حرف بزنیم. نظراتمان را بگوئیم و از توطئه ها پرده برداریم. سازشکاران را افشا کنیم. نشان بدهیم که بقایای رژیم شاه باقی - مانده اند. نشان بدهیم که دست امپریالیسم هنوز از اقتصاد سیاست و بالاخره سرنوشت میهنمان کوتاه نشده است... آری ما باید نظراتمان را راجع بهمۀ چیز بگوئیم. همۀ کس با بد حرفش را بزند. آنوقت توده های مردم قضاوت کنند که خیر و صلاحشان در چیست. همه با بد حق تبلیغ نظراتشان را داشته باشند. ولی در اجرای چنین سیاستی کارشکنی میشود. دشمن اصلی فراموش شده است دشمن در خانه ما و بیخ گوشمان لانه کرده است. ما متأسفانه عده ای راه را گم کرده اند. بقول آنها پیروز شده ایم. اما آنها امروز هم اجازه بحث کردن و حرف زدن را بدیگران نمیدهند. سعی می کنند با بدترین شیوه ها و عقب مانده ترین و نادرست ترین اعمال، از بیان نظرات و عقاید دیگران جلوگیری کنند. آیا ما وقتی این حرفها را میزنیم فقط ادعا کرده ایم یا حرفهایمان واقعیت دارد؟ برای جواب دادن باین سؤال باید با خبری که از این طرف و آن طرف شنیده میشود گوش بدهیم.

● رفقای کارگر!

ما اینروزها بسیار میشنویم که اجتماع کارگران با حمله افراد مسلح برهم زده میشود. در تهران، در تبریز، در همه جا ازین خبرها به گوش میرسد. میشنویم که کارگران را کتک میزنند. کارگری که خودش از دست افراد مسلح کتک خورده بود در اجتماع کارگران کسۀ ر

خیلی‌ها نام خود را مذهبی و مسلمان می‌گذارند ولی از اصول و اعتقادات مترقی‌ای که در اسلام

وجود دارد بپوشی نبرده‌اند، و خیلی‌ها هم خودشان را کمونیست و وابسته به طبقه کارگر میدانند ولی بر عکس دشمن طبقه کارگر هستند و طبقه کارگر را به انحراف میکشاند. مثلاً دارودسته کمیته مرکزی "حزب توده" هم، خودشان را کمونیست میدانند و از طبقه کارگر با اصطلاح دفاع میکنند ولی در حقیقت دشمن طبقه کارگر هستند ایمن دشمنی را از روی برنامه‌ها و سیاست‌ها بشناسان میتوانیم بفهمیم. مثلاً شعار احیای سندیکاها که ما در کارگر به بیش شماره ۲ با آن اشاره

بخاطر اعتقادشان سالها مبارزه کرده و از مرگ نه‌راسیده اند .
اما باز گردیم به اصل مطلب ،گفتیم که می‌گویند کمونیست‌ها اخلاص میکنند، توطئه میکنند می‌گویند خدا نیست و ۰۰۰ و با اینوسیله از اینکه کارگران و توده‌های مردم حرف‌های آنها را بفهمند جلوگیری میکنند. اما ببینیم که آیا واقعاً حرف کمونیست‌ها اینست؟ آنها هیچوقت "اخلال" را معنی نمیکنند، "توطئه" را معنی نمیکنند و نمیگویند که توطئه چیست. ما هیچوقت نشنیده‌ایم که کمونیست‌ها بیایند و جار بزنند که خدا نیست، یا اصولاً به مذهب بی -

احترامی بکنند، صحبت آنها عبارت از اینست که همه نیروهای انقلابی باید هوشیار باشند

فقط کمونیست‌های واقعی منافع طبقه کارگر و توده‌ها را عمیقاً درک میکنند

کردیم و توسط خود کارگران بساطش برچیده شد حرفی بود که حزب توده میزد و سرنوشت کارگر - ان را دوباره بدست همان سندیکاهای فرمایشی میسپرد. یا از لحاظ سیاسی که این حزب مثل بوقلمون هر روز یک رنگ عوض میکند و به این یا آن نیروی سیاسی که قدرت بگیرد تعظیم میکند، چاپلوسی میکند و ۰۰۰ سعی میکند از آن طریق هدفش را برآورده کند. یا مثلاً حزب سوسیالیست کارگران که این حزب قلابی‌هم در ظاهر از طبقه کارگر حرف میزند و در عوض باطناً با طبقه کارگردشمنی میکند و به انقلاب ضربه میزند.

بهر حال گفتیم که کمونیست‌ها یا آنها که خودشان را کمونیست مینامند. همه شان یکی نیستند ولی از طرف مخالفین خود با یک جواب رانده میشوند.

بنابراین ما هر جا که از بین کمونیست‌ها اسم میبریم و راجع به نظرات آنها حرفی میزنیم منظورمان کمونیست‌های واقعی و آنکسانی است که حقیقتاً و از صمیم قلب خواستار آزادی طبقه کارگر و توده‌های تحت ستم هستند و

با هم متحد بشوند و بر علیه امپریالیست‌ها بجنگند، به تسلط امپریالیست‌ها بر این آب و خاک پایان بدهند. اجازه ندهند که عوامل مزدور و وابسته به رژیم سابق را که می‌آیند و رنگ عوض میکنند و خودشان را به چاپلوسی میزنند و با اصطلاح توبه میکنند، همچنان آزاد و راحت با همان کارهای قبلی خودشان منتها این بار در لباس تازه‌ای به توده‌های مردم خیانت کنند. آنها می‌گویند، طبقه کارگر - رحمتکش‌ترین، محروم‌ترین و انقلابی‌ترین طبقات است و با هیچ دشمن داخلی و خارجی‌ای سازش و آشتی نمیکند زیرا که نفع کارگران و توده‌های زحمتکش در اینست که دشمنان داخلی را تارومار و نابود کنند. بنابراین طبقه کارگر باید در رأس انقلاب قرار بگیرد و رهبری توده‌های زحمتکش و انقلابی در دست او باشد تا بتواند منافع طبقات و اقشار خلقی را برآورده کند. حرف آنها اینست که کارخانه‌های سرمایه‌داران وابسته به بیگانه مثل خیامی، لاجوردی، پروانی، ایلقانیان، نایبند پاسال، نصیرپور و غیره را باید بنفع خلق

کارگران برای نجات میهن از چنگال دزدان و غارتگران و چالپوسان بمسازه میزنند

مصادره و ملی نمود.

آنها میگویند کارگران

داشته باشند. و ۰۰۰۰ آیا اینها معنای توطئه میدهند؟ آیا اینها اخلاص در کار هستند؟ آیا شرکت کارگران در امور سیاسی اقتصادی و اجتماعی و بدست گرفتن قدرت توسط کارگران و زحمتکشان معنای اخلاص و توطئه میدهد؟ و یا اینکه کسانی که این حرفها را میزنند تفرقه میاندازند؟ کجای این کارها تفرقه است؟! ولی در عوض کسانی که سنگ مذهب را به سینه میزنند، به اجتماع کارگران حمله میکنند، تیراندازی هوائی میکنند، در واقع تفرقه میاندازند؟ شما قضیه حمله به کارگران اخراجی کارخانه های تبریز را که در یک نامه سرگشاده نوشته اند بخوانید و ببینید که چقدر رقت آور است؟ چقدر جای ناسف دارد که کارگران برای بدست آوردن حقوقشان جمع شده اند، آنوقت عده ای تفنگ دار بآنها حمله میکنند، دستگیرشان میکنند، و بعضیها تفنگ را بطرف کارگران میگیرند. آیا این وحشتناک نیست که هنوز خون شهدای ما پاک نشده است عده ای بیایند و بخواهند توده های کارگر را با تفنگ متفرق کنند؟ آیا این اعمال معنای وحدت میدهد؟ این عمل بقدری برای کارگران مبارز تبریز غیرقابل تحمل بود که شدیداً به این عمل اعتراض کردند. مگر راستی آنها چه میخواهند؟ چرا بعضیها از جمع شدن کارگران وحشت دارند؟ آیا شما هیچوقت باین فکر افتاده اید؟ حتماً شما میدانید دیدید که وقتی رفقای کارگر قهرمان ما در صنعت نفت اعتصاب کردند، رژیم شاه خائن چگونه بزانو در آمد. شما ببینید که وقتی کارگران هر کارخانه ای دست از کار میکشند چه وحشتی در دل سیاه سرمایه دار میاقتد، پس بیجهت نباید باشد که از جمع شدن کارگران بترسند و سعی کنند که آنها را متفرق کنند. شما

باید شورای کارگری تشکیل بدهند، و در امور تولید و توزیع نظارت داشته باشند. آنها میگویند وابستگان شاه جلاد را نباید بخاطر اینکه باصطلاح اعلام همبستگی میکنند همچنان بر سر پستهای حساس گذاشت، آنها میگویند ارتش یکارتش ضد خلقی بوده و تا همین چندی پیش سینه های مردم مبارز ما را با سربمداب شکافته است بنا بر این فرماندهان مزدور و افراد بی وطن و خیانتکار آن، یک شبه عوض نمیشوند. آنها فقط رنگ عوض میکنند و منتظر فرمان اربابشان میمانند تا بموقع خودش به خلقهای قهرمان ما ضربه بزنند، بنا بر این باید اینها را برکنار و مجازات نمود و ارتشی از سربازان و درجه داران و افسران میهن پرست با انقلابیون صادقی که در راه را میخی خلقهای ستم دیده، میهن حاضرند جانشان را بدهند، بوجود آورد و از منافع توده های مردم و از انقلاب پاسداری نمود. این ارتش را ارتشی خلقی میگویند. آنها میگویند باید بانکها ملی شود و دست سرمایه داران غارتگر خارجی و دزدان داخلی از اقتصاد میهن کوتاه گردد. و بالاخره آنها میگویند باید دمکراسی وجود داشته باشد. آنها میگویند باید آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات، و حق آزادی اعتصاب رعایت شود، باید به همه کس اجازه داد تا حرفش را بزند، و آنوقت مردم خوب را از بد تشخیص بدهند. کمونیستهای واقعی هر گونه وابستگی و اتکاء میهن را به کشورهای بیگانه (هر کس کسسه می خواهد باشد) رد میکنند و میگویند کسسه میهن مان باید آزاد و مستقل باشد. میگویند که تمام خلقهای ایران یعنی کردها، بلوچها، عربها، ترکها و ۰۰۰ در عین اینکه در داخل ایران و بیوسه به تمام خلقهای میهن هستند، باید حق خودمختاری و حق تعیین سرنوشت

مرز و بوم را در دست دارید و وظیفه دارید که برای نجات میهن از چنگال دزدان و غار-تگران و چاپلوسان، مبارزه کنید. بنابراین باید فکری باز، مستقل و آزاد داشته باشید. نباید فریب این گونه تبلیغات غلط را بخورید. شاید شما خیردار شده باشید که شماره دوم "کارگر، به پیش" یعنی نشریه‌ای که به شما تعلق دارد وقتی که در چاپخانه صافسی و آماده پخش شده بود توسط عده‌ای که خود را از کمیته امام معرفی کرده بودند توقیف شد. کارگران آگاه با شنیدن این خبر شدیداً ناراحت شدند، این بدترین نوع سانسور و خفگان است، آنها بخودشان اجازه ندادند بگذارند این کتاب پخش شود و بعداً بگویند که مثلاً فلان جای آن گمراه کننده است. آنها نگذاشتند تا همه ببینند که در کجای آن، نوشته شده بود که "خدا نیست"؟ آنها می‌رسند که اگر این کتاب بدست کارگران برسد آنها مطالبش را بخوانند می‌فهمند که چه حرف‌های درستی در آنها زده شده و در نتیجه مستثت کسانی که به کمونیست‌ها اتهام توطئه‌گر، اخلالگر و ... می‌زنند باز میشود. کارگران رزمنده و آگاه که سالیان دراز به اشکالی مختلفی با رژیم پوسیده شاه جنگیده‌اند تا آزادی کسب کنند، شدت ازین عمل ناراحت و

رسد آگاهی سیاسی کارگران پشت دشمنان خلقها را می‌رزاند

متنفر شدند. آخر خیلی عجیب بود که ما امروز بعد از اینهمه مبارزه که می‌خواستیم به آزادی واقعی دست پیدا کنیم، از انتشار و مطالعه یک نشریه محروم بشویم. آنها می‌گویند که این کار را کرده‌اند تا بحال جرأت این را نکرده‌اند که دلیل این کارشان را اعلام کنند، زیرا اصولاً دلیلی ندارند که برای این کارشان بیاورند غیر از اینکه بگویند این

حتماً بارها و بارها شنیده‌اید که می‌گویند عده‌ای تفرقه می‌اندازند، اما شما وقتی خودتان این خیرها را شنیده‌اید حتماً فهمید - هاید که تفرقه انداز کیست. حتماً دیده‌اید که وقتی دانشجویان میخواهند با کارگران تماس بگیرند و با آنها کمک کنند، با آنها حرف بزنند، فوراً عده‌ای با تفنگ از راه میر-سند و آنها را متفرق کرده و دانشجویان را دستگیر میکنند، و فوراً می‌گویند که اینها کمونیست هستند و کمونیست هم یعنی خدا نیست! آیا شما رفقای کارگر، هیچوقت از زبان کمونیست‌ها شنیده‌اید که راجع به مذهب شما یا خدای شما حرفی بزنند؟ آنها با اعتقادات کارگران و توده‌های مردم اقدام می‌گذارند. حرف ما اینست که کارگران خودشان با عقل و فهم خودشان قضاوت کنند. شما نباید اجازه بدهید که دیگران برای شما تصمیم بگیرند و یا تکلیف معین کنند. این توهین به یک طبقه زحمتکش است که با و بگویند منافعش را تشخیص نمیدهد و با و بگویند که فلان اعلامیه یا فلان کتاب را نخوانید چون شما را گمراه میکند. شما رفقای کارگر، رستخیز کارگران را که از طرف رژیم سرنگون شده شاه، هزارتا چرندیات مینوشت خواندید و قبول نکردید و در مقابلش هم ایستادگی کردید. رژیم شاه با تمام بوق و کرنای عربی و طویل‌تلیغاتی - اش و با زور سرنیزه‌اش نتوانست بسزای همیشه توده‌های مردم را گمراه کند. همان موقع هم بسیاری از کارگران آگاه و گروه‌های سیاسی انقلابی می‌فهمیدند که این رژیم جلا چه جنایاتی مرتکب میشود و برای نابودی او و مبارزه می‌کردند. پس یک کارگر آگاه، فهمیده و مبارز هیچگاه عنان فکر و عمل خودش را به دست دیگران نمیدهد. خودش باید بخواند، فکر کند، مقایسه کند و راهش را انتخاب کند. شما رفقای کارگر وظیفه حساسی بعهده دارید، شما قسمت مهمی از قدرت اقتصادی این

توقیف نشریه تاریخی نشان میدهد که تفنگ با به غلط مورد استفاده قرار می‌گیرند

کارگر، به پیش

اما چه کسانی به این تفرقه و ایجاد

جنین اشکالاتی دامن میزنند و از آن سود می‌برند؟

شما اگر به تاریخ نگاه کنید و درباره تمام انقلابات خلقهای سراسر جهان مطالعه کنید میبینید که دزدان و غارتگران و جنا-یتکاران همیشه از کسانی که مج آنها راس-بزننگاه میگیرند و افشایشان میکنند، از کسانی که بازار غارتگری و دزدی و جنایت آنها را کساد و تعطیل کرده و آنها را نابود میکنند، همیشه میترسند. این جنایتکاران همیشه دنبال کسانی میروند که بدانند از این طریق میتوانند آنها را فریب بدهند و بترسانند و با طمع و حرص آنها را تحریک کنند و بدینوسیله با آنها به سازش و بند و بست برسند و آن وقت دشمنان سرخستان را با هزاران فریب و شیرنگ سرکوب کنند. این عمل را همیشه امپریالیستها، از طریق ساواکیها و مزدوران رژیم سرنگون شده شاه پیش میبرند. دشمن وقتی میفهمد که کمونیستها اگر حرفهایشان بمیان مردم برود، بدل آنها مینشینند و آن وقت نابودیشان حتمی است فوراً دست بیکار میشوند و از هر راهی که بتوانند از بردن این آگاهی ها بمیان توده های کارگرو زحمتکش جلوگیری میکنند، با هزاران تهمت و دروغ و نیرنگ سعی میکنند کارگران و زحمتکشان و توده های مردم را نسبت به این افراد و گروهها بدبین کنند و نگذارند که آنها حرفهایشان را بزنند. اینها از هر حربه ای استفاده میکنند. مثلاً در میهن ما از مذهب استفاده میکنند و وقتی که میبینند مردم اعتقادات مذهبی دارند داستان " کمونیست یعنی خدا نیست " را علم میکنند.

ولی همه مسلمانان هم بدام این تبلیغات و فریبکاری های دشمنان نمیافتند. فقط عده ای گول این حرفها را میخورند و سعی

کنند آنها " ضاله " بوده اند. یعنی عیناً همان کلمه ای که رژیم سابق به کتابها و نشریات انقلابی نسبت میداد. زیرا تمام خلقهای بیدار شده، ما آنها را سرزنش خواهند کرد. خیلی عجیب و غریب است که در دوره انقلاب، در دوره ای که همه دم از دمکراسی و آزادی میزنند یک نشریه آنها نشریه کارگری، اجازه انتشار پیدا نکند و با زور تفنگ و سرنیزه توقیف شود. این عمل نشان میدهد که تفنگها به غلط مورد استفاده قرار میگیرند، نشان میدهد که بجای اینکه تفنگداران از منافع توده های کارگر و سایر طبقات و اقشار خلقی حمایت کنند و تفنگشان را بر روی دشمنان بگیرند، با شنیه و به غلط تفنگشان را رو در روی آزادی و دمکراسی میگیرند و میخواهند آزادی و دمکراسی را تیر باران کنند! این عمل بهیچوجه مورد قبول هیچ فرد مبارز، آگاه و انقلابی نخواهد بود.

رفقای کارگر! این یکی از آن اعمالی است که ما نامش را اخلال و تفرقه میگذاریم این عمل است که در آگاهی انقلابی و بسا لا رفتن شعور سیاسی کارگران اخلال میکند، بین کارگران و گروههای انقلابی تفرقه میاندازد و میخواهد بین کارگران و ضرورتهای انقلابی میهن مان شکاف و فاصله بیندازد. البته این کارها هیچوقت در طول تاریخ موفقیتی نداشته اند، تا بحال دیده ایم که کارگران مبارز وقتی دنبال یک چیز مورد علاقه شان باشند آنرا از هر کجا که باشد حتی از زیر سنگ، بدست میآورند، همچنین گروهها و سازمانهای سیاسی انقلابی هم نظراتشان را از هر طریق و از دشوارترین راهها هم که باشد، بالاخره بگوش کارگران و توده های ستمدیده جامعه میرسانند بنا بر این " زمستان میروود و روسیاهش به ذغال میماند "

گل دادن و گلوله گرفتن

زهر ده است

- برسوت های سرخ که روغنیده در خسا با آنها ،
- در مصرف عموم و شفا و ت
- عطر و گلاب بسیارند .
- چون ،
- جلاب ، با دست خون چکان ،
- یا در رکاب خباثت آنها دور رفت .
- اما ،
- از پشت سینه های خواب تحابت بدتر شود !
- آگاه ترورسند !
- گل دادن و گلوله گرفتن نموده است .
- این مار صد ههرا زیش ،
- یک زخم خورده است .
- از زیش زهرها رچنین مار ، خلق ما ،
- یک ربیع قرن ،
- در سوگ خویش و برادر ،
- ایستاده مرده است .
- از آنها بیهای توان سوز و درد با ر ،
- خون جگر بسوخت در زیا خورده است .

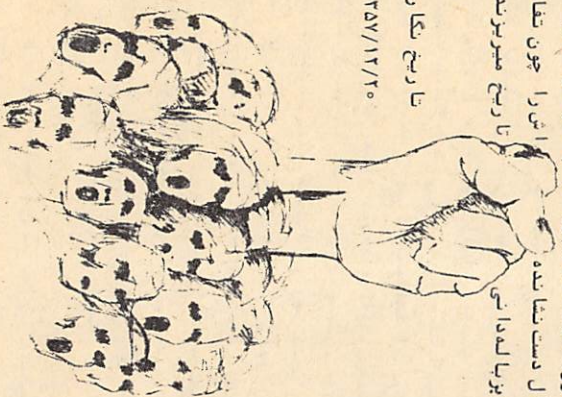
"جواد گلکار"

کارگر کا رفا ت جنرا الموتورز

ممکنند به همه کس انرا تبلیغ کنند ، بسیاری از افراد مبارز مذهبی هم هستند که افکار و مرفها نهای دارند و کوشش ن به این حرفها بدهکار نیست . بیاینها کما کما رگان با بد خودشان کلاهان را قانی کنند و از طریق مطالعه کتابها ، نشریات و روزنامه ها ، گویا گوی به حقیقت امور بی ببرند . کارگر آگاه و انقلابی هیچوقت از سخنرانی کسی که انقلابی و مبارز است ، جلوگیری نمیکند ، علاوه میها را پاره نمیکند ، کارگر آگاه خود ش مطالب کوتاه کون را مطالعه میکنند و دیگری ان هم اجاره ، مطالعه ، تحقیق و بحث میدهند ، بیاین این کارگران انقلابی و آگاه با لافز و حقایق را از لابلای کتابها ، اعلامه ها و نشریات انقلابی مربوط به خودشان پیدا نموده و با لافز به پاری همه ، افشار و طبقات خلقی که در راه رفاهی ایران از سلطه امپریالیسم و برای برقراری یک جمهوری دموکراتیک خلقی مبارزه میکنند ، امپریالیسم غارتگر آمریکا و عمال دست نشانده اش را چون تغافل ای برپا له دانی

تاریخ نگارش

۱۳۵۷/۱۲/۳۰

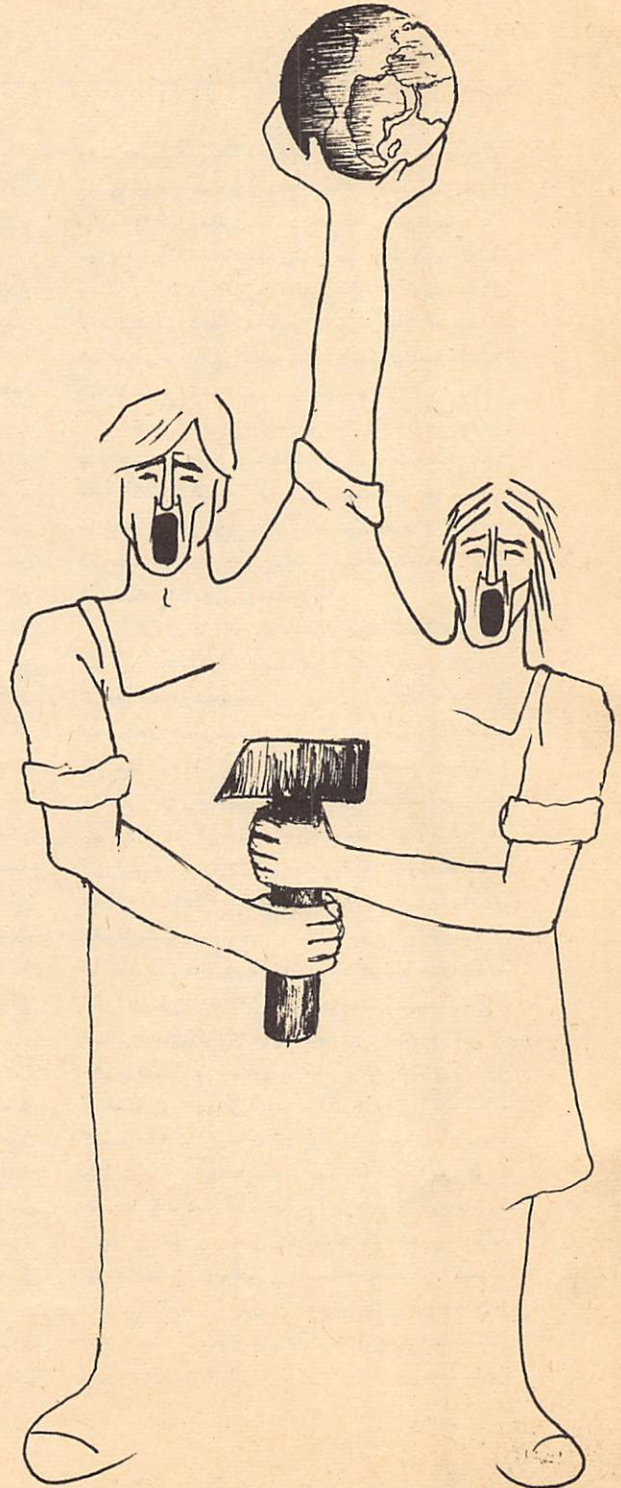


آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

● جامعه فقط با آزادی زنان
 ستم‌پذیده و زحمتکش آزاد
 خواهد شد. "لنین"

نقش زنان مبارز در پیروزی انقلاب

رفقای کارگر!
 اوگیری مبارزات حق طلبانه
 ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی خلقهای
 میهن، با حرکت در آمدن زنان ستم
 دیده و زحمتکش جامعه، ما قدرت و توان
 تازه‌ای گرفت. آنان نیز همچون
 برادران مبارز خود مشت‌گرفته‌شده
 خود را برای کوبیدن برده‌ها و مزدوران
 و بیگانگان بالا برده و اکنون این
 صدای زنان کارگر زحمتکش و ستم
 دیده، ما است که طی سال‌های طولانی
 همیشه و در هر مرحله همگام با برادر
 انشان برای گرفتن حقوق پایمال
 شده، خلق خویش از حکومت‌های جبار
 و وابسته، بی‌خاسته و نود تا پای‌جان
 برای "گرفتن حق" خود سینه سپر
 کرده‌اند.



وقت چنین حقیقتی نداشت که در باره خواسته‌ها و حقوق خودش بمفهوم یک انسان آزاد چیزی بگوید و اظهار نظری نکند. ادامه این شیوه در مورد زنان باعث شد که زنان خود را عنصری غیر مفید بدانند و اجازه اظهار نظر در مورد مسائل اجتماعی را بخود ندهند و از این نظر احساس خجالت و شرمندگی کنند و این تفکری است که همچنان در اکثریت زنان ما وجود دارد.

بله، این درد مشترک زنان است و آنچه در بالا گفتیم نشان میدهد که افراد جامعه زن چطور نگاه میکنند. اما حالا بیسیم آیا زنان در جامعه ما با وجود این درد مشترک همه و همه در یک سطح هستند و همگی یکسان می‌اندیشند و یکسان عمل میکنند؟ جواب منفی است.

یک زن کارگر علاوه بر آن در جامعه‌ی و فشاری که در اثر نامتساوی بودن با مردان در کل جامعه و همچنین در اجتماع کوچک خانه و بوسه‌ها، همسرش با و وارد میشود، در کارخانه هم بماند کارگران مرد مورد استثمار و ستم و فشار قرار می‌گیرد و فریاد حق طلبانه‌اش بلند میشود. بخاطر زن بودن، در محیط کارخانه هم او را نسبت به مردان دست کم گرفته و تبعیض قائل میشوند. مطابق مردان کار میکنند ولی حقوقی بسیار کمتر از آنان می‌گیرد. برای مردان عائله دار مزایایی در کارخانه قائل هستند که آنرا زنان بجد دارند و می‌دهند و این تبعیض در باره آنان نه فقط در اقتصاد بلکه در مورد حقوق صنفی و سیاسی در کارخانه هم وجود دارد و مثل روز روشن است. اگر مردان اعتصاب کنند صاحب کارخانه و بقیه نوکران او به زنانی که با عتصاب بیون پیوسته اند ناسازی - گویند و توهین میکنند و این عمل را از جسارت بیش از حد آن زنان می‌بینند. چرا که زن همیشه باید مظلوم و مطیع و معصوم باشد و اگر زنانی مانند برادران خود خواهان حق و حقوق خود باشند، با و لقب‌ها و مارک‌هایی از قبیل هرزه، کولی، سلیته، پررو ... می‌چسباندند.

مبارزات بزرگ و عظیم زنان ایران، خاص این دوره اخیر نیست. آنها قبل از دوران مشروطیت و شاید پیشتر از آن همیشه نشان داده اند که چیزی از بقیه افراد جامعه کم ندارند و حتی در زندگی مبارزاتی دارای صفاتی هستند که یک انقلابی و فرد آزادیخواه به شدیدترین وجهی محتاج آنست: صبوری، متانت، ظرافت در انجام امور ...

زنان همواره در مبارزات افراد جامعه شریک بوده‌اند و همیشه باید توجه کنیم که همانطوریکه در یک جامعه طبقاتی، ما با طبقات مختلف رو در رو هستیم، زنان جامعه نیز افرادی جدای از طبقات نیستند بلکه آنها هم از طریق طبقات موجود در جامعه تقسیم میشوند و این تقسیم بندی نشان میدهد که همانطور که منافع یک کارگر در برابر منافع یک سرمایه‌دار در تضاد است، منافع یک کارگر زن و خواسته‌های او هم با خواسته‌ها و منافع یک زن مرفه و پولدار کاملاً فرق میکند و در حقیقت یک زن و مرد سر- ما به دار همیای یکدیگر، تمام کارگران چه زن و چه مرد را مورد ستم و استثمار شدید قرار می‌دهند. اما با وجود این تقسیم بندی طبقاتی، زنان بطور کلی دارای یک درد و مشکل مشترک در اجتماع کنونی ما می‌باشند، که می‌بایست ابتدا به بیان این درد اجتماعی و باز کردن آن پرداخت و سپس همان تضاد و تفاوتی را که میان یک زن کارگر و یک زن سرمایه‌دار موجود است، مورد توجه قرار داد.

★ ★ ★

■ اما آن درد مشترک چیست؟

در جامعه ما، در دوران طولانی، پیوسته زنان را موجوداتی عقب افتاده و ناقص العقل میدانسته اند و زن فقط حکم یک دستگاه تولید مثل را برای خانواده بازی می‌کرده تا نسل خانواده حفظ شود. این دستگاه محتاج بغدادی بود که در خانواده از این امتیاز (یعنی خوردن غذا برای ادامه زندگی که هر حیوانی هم آن محتاج است و در نتیجه امتیازی برای انسان شمرده نمیشود) بهره‌مند میشود. اما هیچ

کردن آن پول بدست آمده، اظهار نظری بکند. و چون برده با اورفتار میکند.

همگی این برخوردها (چه مردان شهر، چه مردان روستاها و...) نشان دهنده طرز تفکر عمومی مردان ما نسبت بزن میباشند که برای کار طاقت فرسایی که زن انجام میدهد اهمیت و ارزشی قائل نیستند چرا که انجام آن مورا از وظایف ادبی و همیشگی و میداند و معتقدند که این سرنوشت برپیشانی زنها نوشته شده! البته توجه کنیم این برخورد مردان با زنان خویش نشانه دشمنی یا کینه ورزی با این زنان ستم دیده نیست. بلکه این برخورد نشانه آن فرهنگ کهنه و پوسیده ای است که حکومت های ستمکار و استثمار کننده بوسیله تبلیغات مختلف خود و بزور در مغز این مردان زحمتکش فرو میکنند تا جاییکه میان زنان و مردان زحمتکش تفاهم وجود نداشته و گرمی و محبت خانوادگی را سست میکند.

۲- زنان نیز همچون برادران کارگر خویش به شدت مورد ستم و استثمار سرمایه داران قرار دارند و ثمره کار و زحمتشان بصورت سود، به جیب گشاد سرمایه داران سرازیر میشود.

۳- تبعیض موجود در جامعه (سرمایه داری و وابسته) در کارخانه نیز بشدیدترین شکلی خود را نشان میدهد و نیروی کار زنان از جانب کارفرما بسیار ارزانتر از نیروی کار مردان خریداری میشود.

سه مطلب بالا بیان حال تمام زنان زحمتکش کارگر، کشاورز، اقشار فقیر طبقه متوسط زنان کارگر و زحمتکش کارگاه های کوچک، بیمارستانها، هتلها، موسسات خدماتی، مستخدمین خانه های اعیان و اشراف و... است که در میهن ما نیروی مهمی را هم تشکیل میدهند.

چرا؟ چون این زورگویان همیشه توقع دارند که زنان فقط سرشان را پائین بیندازند و کار کنند و پول بچیب سرمایه داران سرازیر کنند و اگر جز این عملی انجام دادند، پس ناچیب هستند و باید اخراج شوند و...

عقب ماندگی زنان تنها از طریق تشکیک آنها در سازمان های واقعی زنان جبران میشود.

پس چنین نتیجه میگیریم که:

۱- زن کارگر در خانه بوسیله آن تفکر اجتماعی عقب مانده که از طریق جامعه ای وابسته و سرمایه داری بمرود خانواده تزریق میشود مورد ستم قرار میگیرد. مثلاً درآمدی را که با تحمل زجر و فشار بدست آورده، بکجا از او گرفته و اجازه استفاده از این پول را که با خون دل فراهم شده بزن خویش نمیدهد.

این برخورد غیر انسانی از یک طرف و از طرف دیگر این زن زحمتکش پس از اتمام کارش در کارخانه، تازه کاری بدون پاداش را در خانه شروع میکند و مانند زنان دیگر بحدت بانجام کارهایی مشغول میشود که ثمره زحمتش تبدیل بیک کالا و یا تولید نمیشود که نشانه زحمت طولانی و مداوم وی در محیط خانه باشد و هیچ ارزشی برای این زحمت قائل نیستند و بی توجه از کنار آن میگذرند. اینجا توجه کنیم که بعضی از افراد روشنفکر وضع زنان روستایی را بخاطر اینکه ثمره زحمت های آنان تبدیل بیک تولید مشخص میشود، بهتر از زنان شهری میدانند در حالی که حتی برای کار زنان قالی باف، حصیر باف، نخریس و... در روستاها نیز که کالاتولید میکنند، همچنان ارزشی قائل نیستند و مرد روستایی محصول دست زن خویش را به بازار میبرد و میفروشد بدون اینکه اجازه بدهد که زن زحمتکش هم در مورد خرج

۲- همچنین دردوران اختناق و فشار رضا خان قلدر و محمدرضا شاه خائن، زنان زیادی بمبارزه برخاستند. زنان انقلابی که هرگونه فشار و اختناق را چه در زمان آزادی و چه در زمان اسارت بجان خریدند و یک لحظه برای کسب حقوق انسانی و پایداری نداشتند، شهدائی چون: سیاه و منقور از پای ننشستند، شهدائی چون: منیژه، اشرف زاده، کرمانی (اولین زن مبارزی که توسط رژیم خونخوار شاه اعدام شد)، مهر نوش ابراهیمی، صدیقه رضائی، طاهره میرزا جعفر علاف، محبوبه، متحدین، سرور آلابوش، سیمین تاج جریری، حوریه، بازرگان، فاطمه امینی، منیژه، افتخاری، رفعت افراز، محبوبه افراز، اکرم صدقیپور، نرگس فجر عضدانلو، نزهت السادات روحی آهنگران، مریم شاهی، لیلی زمریدیان، حوریه، محسنیان، بهجت تنگچی و... ازین قبیل هستند. اما اگر این نمونه های شرف و انسانیت مبارزاتشان برجسته شده است نشانه دهنده، خصلتهای مبارزه جویانه و انقلابی جنبش زنان و توده های زحمتکش و مبارز است که پیوسته چنین گوهرهای درخشان را بجامعه تحویل داده اند. یعنی این رفقای مبارزان همواره در دامان مادران ستم دیده و زحمتکش پرورش یافتند و پرورش میابند.

زنان کارگر هم باید در تصمیم گیری های شورای کارگری کارخانه شرکت داشته باشند

جنبش زنان "خارج از محدوده" و مقاومت های آنها در مقابل رژیم شاه جنایتکار نمونه دیگری از وجود جوشان و انقلابی زنان است که زیر بارستم و زور نمیروند و تاپای جان مقاومت مینمایند. حرکت انقلابی توده های زن در دوره مبارزات یکی دو ساله اخیر، از همین جنبش زنان خارج از محدوده شروع شد و هرچه جنبش انقلابی

پس دیدیم که وضع در میان زنان نیز با وجود درد مشترکی که دارند بهیچوجه یکسان نیست و تفاذ طبقا تی همچنان در تمام شئون جامعه ما خود را نشان میدهد.

و اکنون زنان زحمتکش میهن ما خواستار رهائی از تمام اجافات و ستمها شده اند. در حالیکه یک زن ثروتمند بهیچوجه مسوورد استثمارکار فرما و سرمایه دار نیست. بلکه همراه با شوهر سرمایه دارش کارگزار استثمار میکند. بنا بر این زمانی زنان بتمام معنی آزاد خواهیم داشت که زنان زحمتکش و ستم دیده از این قید و بند های استثمارری رها شده باشند و وظیفه زنان روشنفکر و مبارز از هر قشر و طبقه ای که برخاسته باشند اینست که بایده خواستار کمک به رها نمودن این زنان باشند. زیرا که رهائی زنان زحمتکش، مساوی بارهائی تمام زنان جامعه است همانطور که آموزگار کارگران، رفیق لنین میگوید:

"جامعه فقط با آزادی زنان ستم دیده

و زحمتکش آزاد خواهد گشت."



مانند نمونه زنان انقلابی و مبارز از هر قشر و طبقه ای و در هر زمانی از تاریخ بسیار داشته ایم. از جمله:

۱- دردوران مبارزه برای برقراری حکومت مشروطه در ایران، جنبش زنان مجاهد چشمگیر است. زنانی که هم دوش برادران مجاهدی چون ستارخان و باباقرخان تنگ بدوش گرفته و خون خویش را در راه آزادی حقوق انسانها فدا کرده اند. در همین زمان و بهنگام قیام میرزا کوچک خان درگیلان، زنان مترقی و مبارز، گروه هائی تشکیل دادند که بنیان گذاری از این گروهها زنی بنام "روشنگر نوعدوست" بود که در سال ۱۲۹۹ انجمن "پیک سعادت" را پایه گذاری کرده و همپای مردان مبارز برای تدوین قانون اساسی و بسیاری از حقوق از دست رفته زنان بمبارزه برخاست.

پس بچه علت آنان را جدا از جنبش همه میا -
 زرین در نظر گرفته و برای بوجود آوردن جنبش
 مبارزاتی زنان میکوشیم؟ چون این عمل ظاهراً
 جز آنکه زنان را از کلا انقلابیون جامعه و جنبش
 آن جدا نماید مفهوم دیگری ندارد و در حقیقت
 میگوید هیچ سازمانی برای جمع کردن و متشکل
 نمودن زنان پیشرو، آگاه و انقلابی لازم نیست
 و همچنین یک زن انقلابی با یک مرد انقلابی
 هیچ تفاوتی ندارد. چنانکه میبینیم نماینده
 زنان اقشار مرفه و پولدار روسیه در یک کنفرانس
 در سال ۱۹۱۸ میگوید:

"چون آن شرایطی که موجب آزاد شدن زنان
 میگردد، درست مانند همان شرایطی است که

هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید.

موجب رهایی همگی کارگران و زحمتکش نخواهد
 شد، پس هیچ نوع مسئله خاص زنانی که
 جدای از مشکلات عمومی ستمدیدگان و زحمت
 کشان باشد وجود ندارد. بنا بر این در کشور ما
 (روسیه) نهایستی انجمنهای خاص زنان تشکیل
 شود."

این مطلبی است که چنانچه پاسخ صحیحی بدان
 داده نشود و علت و ضرورت ایجاد جنبش مستقل
 زنان بررسی نگردد، نیروهای ناآگاه هترزنسان
 عقب نشینی نموده و برای اینکه از کلا جنبش انقلابی
 جدا نشوند اقدامی در این باره نخواهند کرد.

پاسخ صحیح بنظر ما اینست: درست است که
 زنان هیچوقت جدای از مردان نباید مبارزه
 کنند و همگام با هم باید در راهی با هم از قید و
 بندستم و استثماری بکوشند. ولی نباید فراموش
 کنیم که زنان از لحاظ فکری در اجتماع عقب
 نگاه داشته شده اند، بنا بر این همیشه از درک
 مسائل عاجز بوده اند و دیرتر از مردان متوجه
 مسائل میشوند و به همین جهت حتی برای گرفتن
 حقوق از دست رفته خود نیز دیرتر ب حرکت در می-

سعت گرفته زنان زحمتکش و مبارز میهنمان
 بیشتر و بیشتر به نقش خویش در جریان پیشرفت
 این انقلاب توجه ای بی بردند. در جریان این حرکت
 انقلابی جامعه بخش وسیعی از زنان ستم دیده، ما
 این مسئله را درک کردند که پرورش شیرچکانی
 مبارز و انقلابی فقط و فقط در سایه بدست
 آوردن حقوق انسانی و دمکراتیک بدست میآید.
 پس آتش افروخته شده، جنبش نه تنها خاموش
 نشد، بلکه روز بروز روشنایی بیشتری بخود
 گرفت. خون زنان مبارز میهنمان در روزهای ۱۶
 و ۱۷ شهریور بر حرکت و قدرت جنبش هر چه بیشتر
 اضافه کرده و هم اکنون ما شاهد هستیم که زنان
 مبارز طبقات و اقشار خلقی بحرکت انقلابی خود
 ادامه میدهند.

اکنون برای
 اینکه این حرکت
 مبارزه جو یانه

زنان، بیشتر نبوده و میوه ای انقلابی بیار
 آورد، چه باید کرد؟ یعنی چگونه میتوانیم
 این جنبش را بمرمزل مقصود برسانیم و هدف
 هایمان کدماست و یا بنظر ما چه باید بشود؟ چون
 هدف ما رهایی طبقه، زحمتکش از قید استثماری است
 در این راه در حد توانمان از هیچ کوششی دریغ
 نخواهیم کرد. پس گامهای ما مبایست در راه
 رهایی زنان زحمتکش باشد.

البته هدف کلی ما بوجود آوردن جنبش مبارزاتی
 زنان است که برای ایجاد بوجود آوردن
 آنو همچنین برای از بین بردن موانع زیادی که
 بر سر راهمان وجود دارد کوشش فراوانی لازم است
 این وظیفه مهم، بعدده تمام زنان آگاه جامعه
 از زنان کارگر فهمیده و آگاه گرفته تا
 زنان مبارز و روشنفکر میباشد تا موانع را از
 سر راه برداشته و گام بگام جلو پیش روند.
 اما سؤال مهم و در عین حال ظریفی که
 در جلوی روی زنان آگاه قرار میگیرد اینست که
 اگر ما میگوئیم زنان، قشریای طبقه ای جدا از
 کل اقشار جامعه و افرادی این سرزمین نیستند،

چنان مادرانی نمیتوانند کودکان مبارز و انقلابی تحویل جامعه بدهند. نمیتوانند افکار کودک را با مسائل اجتماعی و انسانی مربوط به تمامی خلقهای ستمدیده و زحمتکش آشنا کنند و کودکان در بهترین دوران شکلگیری شخصیت و رشد فکری خویش در جهل و نادانی باقی میمانند. آن زن، نه مادری مبارز برای فرزندانست و نه رفیق و یاور راه مبارزه برای خانواده و همسر خود میباید.

پس میبینیم که این عقب ماندگی زنان، تنها و تنها از طریق بسیج شدن و جمع شدن همگی زنان آگاه در سازمانهای مخصوص بخودشان قابل تغییر است و این حرکت نه تنها زنان را از کل خانواده و جنبش خلقها جدا نمیکند، بلکه از یک طرف همپای تغییرات فراوان در جامعه میبینیم که بتدریج تفکر مردان نسبت بزنان تغییر می یابد و از طرف دیگر ایجاب سازمانهای مستقل زنان موجب میگردد که زنان نه تنها از قید و بند های حکومتها و اجبر و استثماراری رها نشی و بندگی با کمک همین زنان آگاه شده سیر حرکت و رهایی خلق ما جانی تازه خواهد گرفت. آگاه شدن هر چه بیشتر زنان همچنین باین مفهوم نیست که آنان در حال حاضر همسران خود را موجب این عقب ماندگی و جهل و ستم برخوردارند، بلکه همواره باید بدخاطر داشته باشند که این دولتتاری ستمگرو استعمارکننده هستند که چه زوجه مرد را مورد ستم قرار میدهند، و آگاهانه نمیدهند تا رشد فکری در تمام افراد جامعه موجب تغییر در طرز تفکر آنان نسبت بزنگردد. هر چه آگاهتر شدن زنان موجب گرمتر شدن کانون خانوادگی نیز خواهد بود.

اما برای رسیدن به تشکل و جمع شدن هر چه بیشتر و سپس گرفتن حق و حقوق خودمان چه کنیم؟



آیند. و تازه در زمان حرکت زنان، اکثریت زنان هنوز در چارچوب کارهای خانگی (پخت و پز، شستشو، نگهداری اطفال و...) گرفتارند و عقب میمانند. پس میبینیم که حتی در شرایط انقلابی که عقب مانده ترین اقشار مردان نیز برمیخیزند و فریاد حق طلبانه میکشند، عده بسیار کمی از زنان پایبای آنان گام برمی دارند و پیش میروند.

پس برای اینکه این عقب ماندگی جبران شود و ما پیوسته شاهد یک گام یا چندین گام عقب تری بودن زنان زحمتکش نباشیم، باید آنان را در سازمانهای مخصوص بخودشان جمع نموده و زنان آگاه بر هر چه روشنتر نمودن و آگاهیه دادن به آنان بکوشند و تلاش نمایند که هر چه سریعتر پایتگاههای زنان را بیابای مردان برسانند و در عین حال که زنان در سازمانهای مربوط بخود آگاهی کسب میکنند در مبارزه انقلابی همپای شوهران و برادران مبارز خود نیز شرکت میکنند بخصوص که در این حالت به بهترین وجه می توانند به برادران مبارز خود کمک نمایند. چرا که یک زن عقب مانده هیچوقت قادر بدرک عقاید انقلابی شوهر، پدر و برادر مبارز خود نمی تواند بداند و نه تنها کمکی به قوی شدن و جزم شدن عزم آنها نمیکند، بلکه از قدرت و تصمیم گیری آنان هم کم میکند. نمیتواند هم فکر و کمک حال همسر خود باشد نمیتواند برای حسل مسایل و گرفتن حقوق پایمال شده خود بعتوان یار و همراه بآنها کمک کند.

پس میبینیم که این عقب ماندگی فقط موجب ضربه زدن بخود زنان نیست، بلکه بوسیله این عقب ماندگی جنبش مبارزه تمام اجتماع لطیفه وارد میشود و چنانچه با زهم عقب بماند و در باره او اقدام می شود، شاهد خواهیم بود که نصف جمعیت سرزمین ما همواره در جهل و عذاب بسر خواهند برد و هیچ مبارزه ای هم پیروز نمی شود. این عقب ماندگی اثرش در تعلیم و تربیت فرزندان توسط مادران نیز جلوه میکند.

وجود دارند، ۵ نفر را از میان خود انتخاب نموده و بدین ترتیب کمیته را تشکیل می‌دهند. رفقای کارگر با دید توجه کنند که این ۵ نفر میبایست از ماقدرتین و فعالترین و مبارزترین زنان کارگر بوده و در طی مدت کارشان در آن کارخانه، هیچ گاه وابستگی بکارفرما و باعمال صاحب کارخانه مانند سرپرست، فرمن و... نداشته باشند.

پس مواردی که باید به هنگام انتخاب نمایندگان مورد توجه قرار دهیم عبارت خواهند بود از:

- ۱- پس از یک بحث جمعی ۵ نفر از زنان انتخاب شوند.

- ۲- این ۵ نفر از قسمتهای مختلف کارخانه انتخاب شوند تا در رابطه با همگی کارگران باشند.

- ۳- برای انتخاب این افراد صداقت، فعال و مبارز بودن و آگاهی سیاسی داشتن از امتیازات هر یک محسوب میگردد.

- ۴- افراد تعیین شده در کمیته، از میان خود یک نفر را که واجد بهترین شرایط باشد (ماقدرتین آگاهترین و...) را انتخاب نموده و این فرد نماینده زنان آن کارخانه در شورا خواهد بود.

۲- وظایف کمیته زنان کارگر

الف - کمیته باید کلاسهای برای مبارزه با بیسوادی دانشکند. تدریس در این کلاسها توسط کارگران آگاه و بسواد و یا دانشجویان مبارز و یا معلمین و فرهنگیان آگاه و علاقمند طرفدار واقعی آزادی طبقه کارگرانجام خواهد گرفت.

ب - زنان را برای شرکت در جلسات عمومی و سخنرانی که توسط شورای کارگری کارخانه ترتیب داده میشود، تشویق و ترغیب بکند.

پ - کمیته چه در خارج و در روزهای تعطیل و چه در داخل کارخانه با توجه به اوقات کارگران ریزن سخنرانیها می‌تواند توسط افراد آگاه و یا دانشجویان آگاه تشکیل خواهد داد و رفقای کارگر مرد را

تشکیل کمیته‌های زنان کارگر در شوراها

اکنون که ضرورت و لزوم تشکیل شوراها برای کارگری در کارخانه‌ها و موسسات تولیدی مطرح شده است و کارگران هر روز بیشتر از پیش به این ضرورت پی برده و به تشکیل شوراها برای کارگری میپردازند، نکته‌ای هم که در رابطه با تشکیل کارگران زن قابل بررسی است مسئله متشکل شدن کارگران زن در این شوراها، شرکت این کارگران در این شوراها و رابطه این کارگران با شوراها برای کارگری است.

در کارخانه‌هایی که کارگران زن هم مشغول بکار هستند، شورای کارگری آن کارخانه، علاوه بر کمیته‌های یگوناگونی که دارد (مانند انواع مختلف این کمیته‌ها در شماره قبلی کارگر، به پیش شرح دادیم و در این شماره هم در مقاله "درس-هایی از سازماندهی کارگران" بدان اشاره کرده- ایم) باید کمیته‌ای هم بنام "کمیته زنان کارگر" تشکیل دهد. این کمیته بطور هفتگی یا ماهانه (بسته به میزان فعالیت کارگران زن کارخانه) تشکیل جلسه داده و زنان کارگر در طی این جلسات، بطور جمعی مشکلات و مسائل خود را مطرح کرده و بررسی میکنند. نماینده این کمیته نماینده واقعی کلیه زنان کارگر این کارخانه در شورای کارگری است. نماینده کمیته مشکلات و نتایج گرفته شده در جلسات کمیته را در جلسات شورای کارگری مطرح میکند، و بدین ترتیب زنان کارگر هم در تصمیم گیریهای شورای کارگری کارخانه سهم خواهند بود.

در رابطه با "کمیته زنان کارگر" دو مسئله را باید مورد توجه قرار داد:

۱- چگونگی تشکیل کمیته مخصوص زنان کارگر

زنان هر کارخانه ضمن یک یا دو جلسه بحث درباره خصوصیات زنان آگاهی که در میان آنها

یک نمونه از

مبارزات زنان کارگران

● خلاصه شده از کتاب "تهضت‌های آزادی‌زنان"

در ماه مه سال ۱۹۲۴ یعنی ۵ سال قبل، ۴۸ کارگر زن کارخانه‌ای که لباسهای ورزشی تولید میکرد، در یکی از شهرهای کشور پرتغال، کارخانه را اشغال کردند. علت اشغال کارخانه بوسیله کارگران، این بود که کارفرمایان برای نسوی کارخانه درخواست کارگران زن را برای افزایش دستمزد، رد کرده بودند تا زمانی که هم که قانون جدید دستمزد که مزدیادتری را برای کارگران در نظر میگرفت، بتصویب رسید، کارفرمای مزدور که میدید از سودش ضرر میکند! کارخانه را بست و تعطیل کرد.

کارگران زن کارخانه نیز وقتی چنین دیدند خودشان کارخانه را باز کرده و با فروش کالاهای تولیدی کارخانه، دستمزد خود را تا مین کردند.

بعد از یک تلاش برای بدست گرفتن دوباره کنترل کارخانه بوسیله کارفرما، مقداری از ساختمان و ماشین آلات کارخانه بوسیله گروه مردان مسلح حمله کننده از بین رفت. کارفرما نیز دستگیر شد و کارگران بدون پولیا مواد اولیه برای ادامه تولید، باقی ماندند. کارگران زن کارخانه، تقاضای ملی کردن کارخانه را کردند، ولی این تقاضا از طرف دولت

تشویق شرکت در این سخنرانیها خواهند نمود. در این سخنرانیها عموماً باید در مورد مسائل، مشکلات و خواسته‌های زنان صحبت شود.

ت - همانطور که گفتیم، کمیته بطور هفتگی یا ماهانه دارای جلساتی خواهد بود. در این جلسه گزارش کار خود را با اطلاع کارگران زن خواهد رساند و زنان نیز مشکلات روزمره سیاسی، اقتصادی و یا خانوادگی خود را با کمیته مطرح خواهند نمود.

ث - چون کارگران و بطور خاص زنان کارگر اوقات فراغتی ندارند و یا اوقات بیکاری آنها محدود است، به همین علت وظیفه کمیته است که اخبار مهم خارج و داخل کارخانه را (مثل سخنرانیهای مفید و مورد استفاده برای زنان حوادث اتفاق افتاده در قسمتهای مختلف کارخانه که با زنان ارتباط پیدا میکند و اخبار مربوط به زنان کارخانجات دیگر و...) به اطلاع رفقای کارگر برساند. تا کید ما بر روی اخبار و موضوعات مربوط به زنان، بدلیل آنست که رفقای کارگری که در شوراها هستند اخبار عمومی کارگری و بقیه مسایل مربوط به کارگران را منتشر خواهند کرد.

رفقای دیگر ما که در موسسات و ادارات و محلات و بخصوص روستاها هستند و بطور کلی آنها که خارج از محیط کارگری بسر میبرند، میتوانند با توجه بخصوصیات خاص محل کار خود این کمیته را بوجود آورند.

ما معتقد هستیم چه در شهر و چه در روستا میبایست در مرحله‌ها شوراها تشکیل شود و وظایف آنها را نیز ضمن مقالات بعدی میبایست مشخص نمود. در درون این شوراها میبایست کمیته‌های زنان تشکیل شود و زنانی را که نه در موسسات هستند و نه در کارخانجات کار میکنند، آموزش بدهد.

تاریخ نگارش: ۵۷/۱۲/۱۵

سگهای چندش آوری هستند":

خبرنگار پرسید: "آیا در دست گرفتن کارخانه، تغییر بزرگی در زندگی شما ایجاد نموده؟"
کارگران زن جواب دادند: "مسلماً. از هر جنبه. این یک تجربه تازه بود. ما بعد از این مبارزه، همدیگر را بهتر میشناسیم..."
خبرنگار پرسید: "شوهران شما چگونه عکس العمل نشان دادند؟"

کارگران جواب دادند: "آنها عکس العمل نشان خوب بود، بعضی از آنها در مجموع اینکار را دوست نداشتند ولی ما را از شرکت در این عمل (اشغال کارخانه و اداره آن) منع نکردند تقریباً همه پدر ما درها مخالفت بودند. بعضی از شوهران حتی دوشب هم در کارخانه ماندند، ولی آنها نمیتوانستند کمک زیادی بکنند، آنها نمیتوانستند کمک زیادی بکنند، آنها با یستی خودشان سرکار میرفتند. ولی بیشتر شوهران، مثلاً غذای خود را در سراسر معینی میخواستند. این نشان میدهد که آنها اهمیت نسبی دهند که همسرانشان درگیر مبارزه هستند، که آنها در فکر خط مشی هستند، که آنها دارند مبارزه را ادامه میدهند. بنا بر این اگر آنها میخواهند که از زنان حمایت کنند، با یستی با آنها کمک کنند. همیشه در این باره بحث هست، چون ما نمیتوانیم در آن واحد در دو محل باشیم"
خبرنگار پرسید: "آیا مشکلات در خانه بهتر شده؟"

کارگری جواب داد: "بهتر شده. با اینکه شوهر من در تمام مدت اینجا نبود، ولی همیشه از من حمایت کرد"

زنان کارگر در طی این مصاحبه میگفتند: "ما فکر میکنیم باید یک زن در دولت باشد. به این ترتیب آزادی زنان و مبارزه ما میتواند محکمتر شود."

سرما به داری رد شد. در نتیجه خود کارگران سعی کردند یک شرکت تعاونی کارگری ایجاد کنند ولی چون "زن" بودند و مرد نبودند، از نظر قانونی حق چنین کاری بآنها داده نمیشد! آنها حتی وقتی از شوهران و بدران خود برای تشکیل یک شرکت تعاونی یاری خواستند، با مخالفت آنها روبرو شدند.

کارگران زن کارخانه طی مصاحبه ای چنین میگفتند:

"ما از ساعت ۸ تا ۱ و از ۲ تا ۸ شب کار می کردیم. ما هانه ۲۴ بوند در یافت می کردیم برای دریافت اندکی بیشتر مجبور بودیم که کار دو روز را در یک روز انجام دهیم. هیچ، وقت استراحت نداشتیم. آنها را درده دقیقه صرف کرده و بعد سرکار بر می گشتیم"

خبرنگار در سؤال دیگری پرسید: اول شما ۴۸ نفر بودید. حالا فقط ۱۸ نفر شما هنوز برای کارخانه می جنگند، بقیه ۳۰ نفر در کجا هستند؟ یکی از کارگران جواب داد: "بعضی کار می کنند، بقیه در خانه هستند. بعضی در نزدیکی "کورتا دور" در کارخانه ای که تازه باز شده کار می کنند، ولی ما مطمئناً میدانیم که بعضیها اگر کارخانه دوباره باز شود برخواهند گشت. آنها بما کمک نمیکنند، چون میترسند. وقتی ما شروع بفروش کالاها کردیم، آنها فکر میکردند ما موفق نخواهیم شد. آنها بمسئله طور دیگری نگاه میکنند. در خانه شان هم فشار وجود دارد آنها اجازه ندارند که اینکار را بکنند"
خبرنگار پرسید: "آیا خطراتی که ما بح کارخانه برگردان وجود ندارد؟"

کارگران جواب دادند: "نه، ما با اجازه نخواهیم داد. بعلاوه ما فکر نمیکنیم که بعد از آنچه که اتفاق افتاده، برگردد. رفقای او در اداره واقعاً وحترده بنظر میرسند. آنها

پیش بسوی آگای هر چه بیشتر زنان کارگر و زحماتش بحقوق و منافعشان!
پیش بسوی شکل و یکپارچگی زنان کارگر در سازمان واقعی زنان!

هسته‌های سیاسی کارگری و

وظائف آنها

رفقای کارگرا!

حمایت یک قسمت معینی از طبقه را بدست بیاورند اعلام حزب میکنند، بعبارت واضحتر سازمان سیاسی کارگران که حزب طبقه کارگرا نمیده میشوند نمایندگانی که کارگران بوده و حداقل قسمتی از طبقه کارگرا این حزب را بنمایندگی خود قبول دارند.

اما در شرایط فعلی ما می بینیم که چنین حزبی وجود ندارد. یعنی طبقه کارگرا زمانی ندارد که بتواند آنرا بعنوان نماینده سیاسی خود بشناسد. هم اکنون کارگران فراوانی وجود دارند که این مسئله را درک کرده اند که ایدئولوژی (مرام) مارکسیسم - لنینیسم تنها مکتب آزادیبخش کارگران است و معتقد باین ایدئولوژی شده اند. اما این کارگران، شدیداً پراکنده هستند و بسیاری برای استیمنیدانند که چه باید بکنند و وظیفه شان بطور روشن و واضح در مقابل طبقه کارگروسا بر طبقات واقشا رزحمتکش جامعه چیست؟

امروزه در هر کارخانه ای تعدادی از این کارگران مبارز آگاه وجود دارند که نیروی بسیار عظیمی را تشکیل میدهند و در صورتی که این تعداد کارگران بتوانند متشکل شوند و یکپارچگی و وحدت لازم را پیدا کنند، نیروی عظیمی را بوجود بیاورند که میتواند بطور سازمان یافته ای بفعالیت و مبارزه بپردازد. اما تا زمانی که این همه کارگرمبارز آگاه در کارخانه تاجات پراکنده هستند، از حال یکدیگر خبر

هر طبقه ای در جامعه، برای مبارزه در راه منافع طبقاتی خود، باید دارای سازمان سیاسی ای باشد که این سازمان، وظیفه متشکل کردن افراد آن طبقه و آگاه کردن آنها را دارد. در جامعه، هر طبقه ای که این سازمان سیاسی خودش را نداشته باشد، از متشکل و آگاهی لازم برخوردار نبوده و در نتیجه نمیتواند با تمام نیروی که دارد حقوق طبقاتی خود را بدست بیاورد. طبقه کارگرنیز که خود یک طبقه اجتماعی است، باید دارای چنین سازمان سیاسی باشد تا بتواند در دروغها و مبارزات سیاسی میهن شرکت داشته و منافع طبقاتی خود را تامین کند. این سازمان سیاسی کارگران، حزب طبقه کارگرا نمیده میشود. این حزب نماینده طبقه کارگر بوده و وظیفه اش هر چه بیشتر متشکل کردن کارگران و هر چه بیشتر آگاه کردن آنها میباشد.

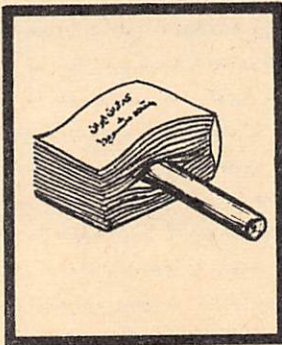
جریان تشکیل حزب بدین صورت است که روشن فکران و کارگرانی که مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان ایدئولوژی (مرام) طبقه کارگر پذیرفته اند و مبارزه برای آزادی طبقه کارگر جزء زندگی آنها شده است، زندگی خود را وقف طبقه کارگرنموده و با تلاش در جهت تماس گرفتن با کارگران، شرکت در زندگی و مبارزات واعضا - بات روزمره کارگران، متشکل کردن کارگران و آگاه کردن آنها، پشتیبانی کارگران را نسبت بخود جلب نموده و پس از اینکه توانستند

فعالیت‌های خود را نیز با یکدیگر هماهنگ کنند و بدین ترتیب اتحاد هر چه وسیع‌تری را در میان کارگران آگاه و مبارز کارخانه‌های مختلف بوجود آورند.

هسته‌های سیاسی کارگری باید سعی داشته باشند که بتوانند با گروه‌ها و سازمان‌های مبارزی که در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر فعالیت می‌کنند تماس پیدا کنند تا بدین ترتیب هم بتوانند از تجربیات و اندوخته‌های این گروه‌ها و سازمان‌ها استفاده نموده، آنها را تقویت کنند و ارتباط هر چه بیشتری که میان این گروه‌ها هسته‌ها ایجاد میشود، با مروحدت و تشکیل هر چه بیشتر طبقه کارگر نیز یاری برسانند.

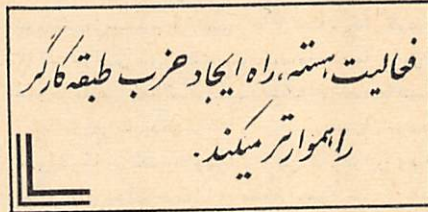
شیوه کار هسته‌ها:

همانطور که گفتیم، هسته‌های سیاسی کارگری، از کارگران آگاه و مبارزی تشکیل میشود که معتقد به ایدئولوژی (مرام) کارگری هستند به همین علت هم باید این مسئله را در نظر گرفت که آیا در شرایط فعلی جامعه ما شیوه کار این هسته‌ها چگونه باید باشد؟ بعبارت دیگر آیا هسته‌های سیاسی کارگری باید بصورت علنی فعالیت کنند یا اینکه فعالیتشان باید مخفی باشد؟



ندارند و هیچ ارتباطی با هم ندارند، طبیعی است که هیچ کاربرد بخوری هم از دستشان ساخته نیست و بیشتر فعالیتهاشان بی‌برنامه و بسیار کم فایده است.

همانطوری که گفتیم این کارگران آگاه و مبارز، تنها در صورت اتحاد شدن و متشکل شدن است که میتوانند در جهت آگاه کردن و متشکل کردن سایر کارگران به بهترین نحوی مبارزه کنند و همچنین خودشان را زمینه‌کاملاً مناسبی با شدت حزب طبقه کارگر بوجود بیاورند.



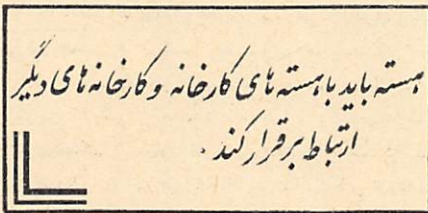
اما این اتحاد و متشکل کارگران مبارز چگونه میتواند باشد؟ بهترین نحوه شکل، ایجاد هسته‌های (گروه‌های) سیاسی کارگری است این هسته‌ها مرکب از سه تا هفت نفر است که از آگاه‌ترین، مبارزترین، فعال‌ترین و فداکارترین کارگران معتقد به مرام و اندیشه کارگری تشکیل میشود. در این هسته‌ها نمیتوانند روشنفکران آگاهی که با این کارگران هم عقیده هستند و در کارخانه‌ها و در میان کارگران کار زندگی میکنند، شرکت داشته باشند.

در صورتی که در کارخانه‌های بیشتر از یک هسته سیاسی کارگری تشکیل شده باشد، این هسته‌ها میتوانند با یکدیگر تماس پیدا کرده و یکدیگر را یاری و وظایف و فعالیت‌های خود بپایرند. علاوه بر این هسته‌ها بهیچوجه نباید دامنه فعالیت خود را در همان کارخانه خودشان محدود کنند، بلکه باید درصدد ارتباط پیدا کردن با هسته‌های سیاسی کارگری سایر کارخانه‌ها با شدت بدین ترتیب این هسته‌ها بتوانند ضمن اینکه از تجربیات یکدیگر استفاده میکنند،

کارگران با سایر کارگران جلوگیری کنند...

این نمونه های گوناگون بعلوه نمونه... های فراوان دیگری که هر روز و هر ساعت شاهد آن هستیم، همگی گواه آن هستند که حکومت فعلی هم اگرچه سنگ آزادی و طرفداران زمانه طبقات کارگران را بر زمین میزند اما در عمل طرفدار آزادی کارگران نیست.

این وضع اجتماعی است که هم اکنون در جامعه ما وجود دارد و ما شاهد آنیم. با این ترتیب بروشنی می بینیم که هسته های سیاسی کارگری، لاقلاً در این شرایط نمیتوانند مانند سایرین به صورت علنی فعالیت کنند، بلکه باید فعالیت آنها طوری باشد که گرفتار این مزاحمتها نشوند، حتی امکان عقیده و مرام این کارگران و فعالیت آنها برای دیگران مشخص نشود. تا از این طریق بتوانند ناآگاهانه کارگران دیگر را هم از بین ببرند.



وظایف هسته ها:

هسته های سیاسی کارگری اهمیت بسیار زیادی برای مبارزات کارگران دارند و از همین جهت وظایف فراوانی بر روی دوش آنهاست. زمینه فعالیت هسته ها بسیار وسیع بوده و به بخشهای مختلفی تقسیم میشود. وظایف آنها که در ردیف فعالیتها هسته ها قرار میگیرند بصورت روشن میتوان چنین نام برد:

- ۱- وظایف آگاهان هکرانه، ۲- وظایف تشکیلاتی،
- ۳- وظایف ارتباطی، ۴- وظایف درونی هسته.

برای روشن شدن این مسئله، باید بوضع اجتماعی ای که اکنون وجود دارد توجه کنیم. ما هم اکنون شاهد هستیم و می بینیم که اگرچه مردم مبارز و مدتی یک دو سال اخیر مبارزات پی گیری کردند و با اعتراضات و تظاهرات و سرانجام قیام مسلحانه خود، هدف سرنگونی کامل رژیم وابسته شاه خائن و کوتاه کردن دست امپریالیزم آمریکا از سرنوشت میهن را در نظر داشتند، اما با تمام اینها و با تمام دهها هزار کشته ای که دادیم، اکنون حکومتی که روی کار آمده است متأسفانه اولین و بدیهی ترین اصول آزادی را در جامعه زیر پا گذاشته و دست به کارها و اعمالی میزند که برآستی هر فرد واقع بین و آگاهی بفرک فرود می رسد؛ مگر مردم ما برای آزادی قیام نکردند؟ پس چرا حکومتی که ادعا میکند انقلابی است و طرفدار آزادی و منافع مردم است، اکنون بتدریج داره آزادی ها را زیر پا گذاشته و مانع از رسیدن مردم به هدفهایشان است؟

مثلاً ما شاهد بودیم که چگونه در طی همین یکماهه اخیر بارها و بارها از طرف حکومت به اجتماعات کارگری حمله شده و با تیراندازی هوایی خواسته اند کارگران را که برای روشن شدن وضع حقوقشان و وضع اخراجشان اجتماع کرده اند متفرق کنند. شاهد بوده ایم که چگونه تعدادی از کارگران را در حال پخش اعلامیه ها - شی از گروههای سیاسی مختلف که در راه آزادی طبقه کارگر مبارزه میکنند، دستگیر کرده و بکمیته برده اند. شاهد بوده ایم که چگونه دست به توقیف کتاب و نشریات آزادیخواه از جمله شماره دوم نشریه، "کارگر، به پیش زده اند و آنها را بجرم حقیقت گوئی از بازار جمع کرده اند و با لایحه شاهد بوده ایم که چگونه کارگران مبارز و کمونیست را در کارخانه های مختلف تحت فشار گذاشته و با بدگویی و تهمت زدن بآنها در نزد سایر کارگران، سعی کرده اند آنها را در محیط کار منزوی نموده و از ارتباط میان این دسته از

۱- وظایف آگاهگرانه:

هسته‌های سیاسی کارگری موظفند در جهت بالابردن آگاهی‌های کارگران بکوشند و کارگران را هر چه بیشتر و عمیق‌تر با منافع و خواسته‌های واقعی و سیاسی‌شان آشنا کنند. وظایف آگاه‌کننده هسته‌ها بدو بخش تقسیم می‌شود:

الف) وظایف سوسیالیستی

این قسمت از وظایف هسته سیاسی مربوط می‌شود به آگاه کردن کارگران نسبت به منافع طبقاتی خودشان از نظر اقتصادی. در این مورد هسته باید از راه‌های مختلفی از قبیل نوشتن و پخش اعلامیه در میان کارگران کارخانه، انجام برنامه‌های سخنرانی برای کارگران، دادن کتابهای مناسب بکارگران و خلاصه از هر طریق که ممکن باشد به روشن کردن ذهن کارگران نسبت به منافع طبقاتی و استثمار سرمایه‌داران و... بپردازد.

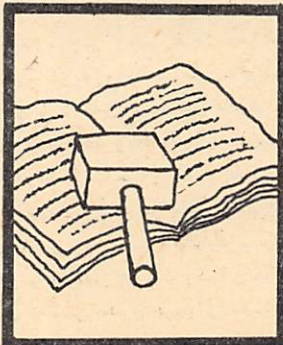
هسته می‌تواند نزدیک بخش مهم زاین فعالیتش را بر روی "قانون کار" بگذارد. با این دلیل که دولت فعلی در حال حاضر تدوین "قانون کار" را در دست دارد و آنجا که بارها و بارها عدم صداقت این دولت را نسبت به کارگران و منافع آنها مشاهده کرده‌ایم، می‌توانیم از حال حاضر سبب بزنیم که این "قانون کار" نمی‌تواند موجب مهار شدن ستم سرمایه‌داران بر کارگران گردد و از همین رو، کارگران و سازمانهای مبارزیه در راه آزادی طبقه کارگر مبارزه میکنند باید خود دست به تدوین "قانون کار" بزنند. "قانون کار"ی که منافع کارگران را در یک رژیم واقعاً خلقی، یعنی در جمهوری دمکراتیک خلق برآورده میکند. در آن حالت طبقاً یکی از وظایف سوسیالیستی هسته‌ها، مقایسه این دو قانون برای کارگران و افشاگری "قانون کار" حکومت فعلی است. هسته همچنین باید اندیشه کارگری را بعنوان ایدئولوژی (مرام) طبقه کارگر برای کارگران تشریح کرده و ذهن کارگران را نسبت

با این مسئله روشن کند که تنه‌راه رهائی طبقه کارگر از استثمار و بهره‌کشی سرمایه‌داران و حکومت‌های سرمایه‌دار است که سوسیالیسم علمی به کارگران نشان میدهد.

حکومت فعلی در ظاهر ادعا میکند طرفدار منافع طبقه کارگر است. اما در عمل مبینیم که یک حکومت سرمایه‌داری است و راهی که در پیش گرفته است نشان میدهد که بسمت وابستگی سرمایه‌لیسم می‌رود، و این چیزی است مربوط به اساس و ذات سرمایه‌داری، زیرا حکومت سرمایه‌داری نمیتواند منافع طبقه کارگر را برآورده کند... هسته وظیفه دارد همواره این موضوع را برای کارگران مطرح کرده و کارگران را نسبت به آن روشن کند.

هسته باید مسائل طبقاتی جامعه را برای کارگران شکافته و آنها را نسبت به موقعیت و منافع طبقاتی مختلف جامعه و تفاوت‌هایی که میان طبقه کارگر با سایر طبقات جامعه وجود دارد آگاه کند، و همچنین نقش تعیین‌کننده طبقه کارگر در تحولات جامعه و رابطه این طبقه با سایر طبقات و همچنین با رژیم فعلی را برای کارگران تشریح نماید.

هسته باید کارگران را با سرمایه‌داری و دوز و کلک‌های آن آشنا کند و سپس تضاد عمیق طبقه کارگر با طبقه سرمایه‌دار را روشن کند و این مسئله را که رهائی کامل کارگران از هر



مبارزات آزادیخواهانۀ سا برطبقات واقشا ر خلقی ویا خلقهای میهن ما ، از مبارزات طبقه کارگر جدا نبوده و با یدمورد حمایت و پشتیبانی طبقه کارگر قرار بگیرند .

بعنوان نمونه ، مخالفت حکومت فعلی با اجتماعات کارگری و حمله مسلحانۀ اعضای کمیته امام با اجتماعات کارگری ، دستگیری کارگران مبارز ، کتک زدن کارگران ، تیراندازی هوایی برای متفرق کردن کارگران که درطی یکماه اخیر ما با رها شده نمونه های مختلف آن ، هم در تهران و هم در تبریز بوده ایم ، از مواردی است که نشان میدهد حکومت فعلی مخالفت با دن آزادیهای سیاسی بکارگران است . همچنان مخالفت های حکومت فعلی با خودمختاری کامل خلق کرد ، مخالفت حکومت فعلی با تشکیل شوراهای خلقی در مؤسسات و ادارات و سازمانهای دولتی ، ایجاد محدودیت برای آزادی زنان و ... از جمله مواردی است که نشان دهنده فشار سیاسی حکومت بر طبقات دیگر خلق و بر خلقهای میهن ما است .

● هسته سیاسی باید کارگران را در جریان مسائل سیاسی جامعه قرار دهد .

هسته سیاسی باید کارگران را در جریان مسائل و رویدادهای سیاسی جامعه بگذارد . مسائل مهم را برای کارگران شکافته و تجزیه و تحلیل کند . مثلاً وقتی حکومت فعلی دوباره همان فرماندهان مزدور رژیم گذشته را وارد ارتش کرده و در رأس ارتش میگذارد ، وقتی از ملی کردن بانکها ، سالهای سال با مکیدن خون مردم و با گرفتن بهره های کلان از وام گیرندگان

گونه ستم و استثماری آنها بستگی به نا بودی کامل هرگونه روابط سرمایه داری در جامعه دارد به کارگران بفهماند . اینها در مجموع وظایف سوسیالیستی هسته های سیاسی کارگری است .

ب) وظایف دمکراتیک هسته

وظایف دمکراتیک جزئی دیگر از وظایف هسته ها است که اهمیت بسیار زیادی دارد .

وظایف دمکراتیک عبارتست از روشن کردن ذهن کارگران نسبت بمسائل سیاسی جامعه .

هسته سیاسی در وظایف دمکراتیک خود ، هدف کسب آزادیهای سیاسی هرچه بیشتر را برای طبقه کارگر در مدنظر دارد . هسته سیاسی باید برای کارگران روشن کند که طبقه کارگر بعنوان بزرگترین طبقه جامعه که عامل اصلی تولید است ، نقش مهمی هم با ید در زندگی سیاسی جامعه داشته باشد . و در همین رابطه باید فشارها را که از جانب حکومت برای محدود کردن این آزادیها بکارگران وارد میشود افشا نماید .

هسته باید منافع مشترک کارگران را با سایر طبقات خلقی در روی کار آوردن حکومتی دمکراتیک که آزادیهای سیاسی را در بالاترین حد خود بکلیه طبقات و اقشار خلقی جامعه و از جمله کارگران میدهد ، بکارگران نشان داده و در این رابطه فشارهای سیاسی را که از طرف حکومت بر طبقات خلق از قبیل دهقانان ، اقشار فقیر و بی چیز و متوسط جامعه و همچنین خلق های دیگری که در سرزمین ما زندگی میکنند ، از قبیل خلق کرد ، خلق ترک ، خلق بلوچ و ... وارد میاید مطرح نموده و بکارگران بفهماند که هرگونه محدودیت سیاسی که از طرف حکومت بوجه کارگران آزادیها بر طبقه تواقشا ر خلقی بشود و حقوق خلقهای ایران را نادیده بگیرد ، بضرر کارگران هم بوده و از همین جهت کارگران باید ضمن این که برای تامین حقوق خود و آزادیشان مبارزه میکنند با این مسئله نیز توجه داشته باشند که

۲- وظایف تشکیلاتی:

وظایف تشکیلاتی هسته‌ها سیاسی در شرایط فعلی، بطور عمده بر روی مبارزه در جهت تشکیل شوراهای کارگری قرار دارد. ما در اعلامیه‌ها و نشریات گوناگون خود تا بحال بارها درباره ضرورت تشکیل این شوراهای و اینکه شوراهای در شرایط فعلی ضروری‌ترین و اصلی‌ترین شکل لازم برای سازماندهی کارگران میباشند بحث کرده‌ایم و بازم بحث خواهیم کرد.

مهمترین وظیفه تشکیلاتی هسته، فعالیت در جهت تشکیل شوراهای کارگری است. ما در قسمت وظایف آگاه‌گرا نه هسته‌ها دادیم که هسته‌ها از طرق مختلف باید در صدروشن کردن ضرورت و چگونگی تشکیل شوراهای کارگری پرا آیند. ما در این قسمت وظایف هسته‌ها را از نظر عملی و از این نظر مطرح میکنیم که خودشان باید بقول معروف آستین را بالا زده و دست بکار تشکیل شورا شوند.

وظیفه مهم هسته تشکیل شورای کارگری است

رابطه هسته‌های سیاسی با شوراهای کارگری به چند صورت ممکن است باشد که ما در زیر سعی میکنیم تمام این موارد را شرح دهیم:

۱- ممکن است هنوز در کارخانه‌های شورای کارگری تشکیل نشده باشد. با این ترتیب هسته وظیفه دارد که مقدمات تشکیل شورا را فراهم کرده و پس از روشن کردن کارگران بضرورت تشکیل شورا، به برگزاری انتخابات شورا پرداخته و عملاً شورا را بوجود آورد. ما در شماره قبلی "کارگر، به پیش" در مطلبی که تحت عنوان "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" آورده بودیم، به نقش کارگران آگاه و مبارز کارخانه در تشکیل

آنها را خانه خراب میکردند، خودداری میکنند * وقتی صنایع وابسته کشور را ملی نمیکند و همچنان دست سرمایه‌داران وابسته و غارتگر را برای استثمار کارگران باز میگذارد. . . بسیاری مسائل دیگر روز، همگی ز جمله مسائل کلی هستند که هسته باید آنها را شکافته و از راههای مختلفی که شرح دادیم ذهن کارگران را روشن کرده و کارگران را آگاه کند.

یکی از وظایف سیاسی بسیار مهم هسته‌های سیاسی شرح دادن لزوم تشکیل شوراهای کارگری است. هسته سیاسی باید شوراهای کارگری را برای کارگران شرح داده و آنها را بضرورت تشکیل این شوراها آگاه کند.

هسته‌های کارگری در انجام فعالیتها یوسیالیستی و دمکراتیک خود، میتوانند از کمک سایر گروهها و سازمانهای مبارزی که در راه آزادی طبقه کارگر فعالیت میکنند نیز برخوردار شوند. هسته میتواند به پخش اعلامیه‌ها، محلات و نشریات این سازمانها و گروهها در میان کارگران بپردازد. میتواند برای نوشتن اعلامیه و یا سخنرانی کردن بزیای کارگران، از کمک فکری دانشجویان مبارزی که طرفدار آزادی طبقه کارگر هستند نیز برخوردار شود.



(*) خوبست برای روشنتر شدن موضوع، بیا نصاب "مولوی" بریاست بانک مرکزی اشاره کنیم. مولوی یکی از وابستگان و چاکران پروپاقرص رژیم شاه سابق بوده و در سخنرانیهایش همیشه از شاه جلاد تعریف و تمجید میکرد. "مولوی اخیراً درباره ملی کردن بانکها گفت: "نه! امروز نه در آینده ما بانکها را ملی نخواهیم کرد". آیا قرارداد نچنین فردی با آن سوابق در رأس مرکز حساب و کتاب و دخل و خرج مملکت بنفع کارگران، زحمت کشان و طبقات محروم و تحت ستم جامعه است؟

با بد نقش و وظیفه مهم خود را در قبال شورا حفظ کند.

عین همین وظیفه راهسته در قبال سندیکا هم دارد. منتهی با این تفاوت که هسته با توجه با اینکه یک جمع سیاسی است فقط در رابطه با شورا میتواند حتی در فعلیتهای آن شرکت هم داشته باشد. در حالی که با توجه با اینکه سندیکا یک تشکیلات منفی است، هسته فقط بر کار آن نمیتواند نظارت و کنترل داشته باشد و دیگر لزومی بشرکت آن در فعلیتهای او مورسندیک نیست.

۳- وظایف ارتباطی:

هسته باید از دو طریق دست با ارتباط گیری بزند. یکی ارتباط گرفتن با سایر هسته‌هایی که در همین کارخانه یا در سایر کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی بوجود میآیند، و دیگری ارتباط گرفتن با سازمانها و گروههای مبارزی که در راه آزادی طبقه کارگر مبارزه میکنند.

الف- ارتباط گیری با سایر هسته‌ها:

هسته سیاسی کارگری برای اینکه بتواند اندازه تجربیات سایر هسته‌های سیاسی کارگری اسفاده کند و هم تجربیات خودش را با آن هسته‌ها منتقل کند، باید در پی ارتباط گرفتن با سایر هسته‌ها باشد. این کار باید به شکل می‌شود. این هسته‌ها ممکن است در درون همان کارخانه تشکیل شده باشند یعنی در یک کارخانه دو یا چند هسته تشکیل شوند در چنین حالتی این هسته‌ها با یکدیگر وحتی کرده و از میان خود یک مرکزیت سه تا ه نفری بوجود آورند. بنحوی که در این کارخانه یک گروه کارگری متشکل از دو یا چند هسته، فعالیت واحد و هماهنگی داشته باشند.

اما در صورتی که مسئله بر سر ارتباط گرفتن هسته با هسته‌های سیاسی کارگری سایر کارخانه‌ها باشد، در این صورت این هسته‌ها نمیتوانند ضمن اینکه تجربیات خود را بیکدیگر منتقل می

شورا اشاره کرده ایم از همین جهت از تکرار آن خودداری میکنیم.

در چنین حالتی که امکان دارد یک یا دو یا تمام اعضای هسته بتوانند عضو شورا باشند، طبیعتاً وظیفه هسته‌ها این میشود که کارهای مربوط به شورا و وظایف آنرا به پیش ببرند.

۲- ممکن است شورا در کارخانه با ابکتار هسته تشکیل شود، اما هسته در آن نتواند عضویت پیدا کند و با اصولاً شورا خود بخود تشکیل شده باشد و هسته نقشی در آن نداشته باشد. در چنین حالتی که هسته نمیتواند از زبالر کارهای شورا نظارت داشته باشد، این نظارت را از پائین یعنی از خارج شورا بعمل خواهد آورد. در یک چنین حالتی هسته سعی میکند از طریق آگاه کردن کارگران بوظایف اصلی و واقعی شورا و نقشی که شورا در شکل و سازماندهی کارگران دارد، کارگران را آگاهی داده و در نتیجه شورا را وادار کند که هر چه بیشتر بوظایف واقعی و اصلی خود عمل کند. هسته موظف است از هر اقدام دست و بجای شورا بپشیمان کرده و متقابلاً هر عمل نادرست و غلط شورا را که برخلاف منافع کارگری باشد، انتقاد کرده و سعی کند با پشیمان کردن سایر کارگران کارخانه، شورا را وادار نماید که در مسیر درست حرکت کند. بعلاوه هسته باید سعی کند تماماً بداخل شورا نفوذ پیدا کرده و از داخل شورا هم بکوشد بر نامه‌ها و سمت وظایف آن را هر چه بیشتر در جهت منافع کارگران قرار دهد.

بطور کلی هسته وظیفه دارد تا می‌تواند با فعالیتهای شورا را زیر نظر داشته و بر آن نظارت داشته باشد تا هر چه بیشتر امکان سازش کاری شورا با کارفرما یا حکومت کمتر شده و بر عکس هر چه بیشتر منافع سیاسی و منفی کارگران را بر آورده کند. در این راه هدف اصلی هسته باید بدست گرفتن رهبری شورا باشد، بنحوی که شورای کارگری کاملاً بسویله هسته رهبری شود. اما در صورت و در تحت هر شرایطی هسته همیشه

توضیح این نکته مهم لازم است که شرط بوجود آمدن حزب طبقه کارگر اینست که چنین هسته‌ها با چنین گروهها و سازمانها که واقعا در راه آزادی طبقه کارگر مبارزه میکنند پیوند خورده و یکی بشوند زیرا هیچکدام از این دو، یعنی نه سازمانها و نه گروهها و نه هسته‌های سیاسی، بتنها نمی‌توانند تشکیل حزب طبقه کارگر نیستند.

هسته باید با گروهها و سازمانهای انقلابی که در راه آزادی طبقه کارگر مبارزه میکنند ارتباط بگیرد

۴- وظایف درونی هسته:

هسته برای اینکه بتواند هرچه بهتر از عهده وظایف و فعالیتهای وسیع و سنگینی که دارد برآید، باید با آموزش خود هم اهمیت زیادی قائل شود. قدر مسلم اینست که مهمترین عامل آموزش هسته، همان فعالیتهای مبارزاتی است که انجام میدهد. هسته در واقع رشد اصلی اش را در جریان مبارزاتش بدست می‌آورد. منتهی برای هرچه بهتر انجام دادن این مبارزات و کامل شدن این رشد و آموزش، هسته باید از طرق مختلفی سطح آگاهی و شناخت خود را هم بالا ببرد.

از جمله راههای مختلف میتوان از آموزش‌ها و کارهایی که هسته در جریان ارتباط گرفتنش با سازمانها و گروههای مبارز میبیند، نام برد. بعلاوه، خود اعضای هسته با پدیدرستی که برای خودشان میگذارند، برنامه مطالعه‌ای برای خود تنظیم کرده و با مطالعه کتب مارکسیستی و همچنین اعلامیه‌ها، نشریات و جزوات

کنند و یکدیگر را از اوضاع و احوال محیط کار یکدیگر با خبر میکنند، فعالیتهای هماهنگ و مشترکی را هم با یکدیگر پیش ببرند. حتی هسته‌های چندکارخانه نیز وقتی با یکدیگر تماس داشتند میتوانند از میان خود مرکزیتی را بوجود بیاورند تا بکمک این مرکزیت، فعالیتهای وظایف هسته‌ها در چندکارخانه، هماهنگ گردد. ب- ارتباط گیری با سازمانها و گروهها:

هسته سیاسی کارگری همچنین با بدرستی ارتباط گرفتن با سازمانها و گروههای مبارزی باشد که مادقانه و فعالانه در جهت ایجاد حزب طبقه کارگر و آزادی طبقه کارگر مبارزه میکنند، همه این سازمانها و گروهها بطور عمده از روشن فکران انقلابی تشکیل شده‌اند. اما برخی از آنها بطور حرفه‌ای (بفعالیتهای سیاسی انقلابی مشغول هستند و مادقانه در زندگی و مبارزات روزمره کارگران شرکت میکنند، یا بدور توجه هسته قرار گرفته و هسته با آنها ارتباط برقرار کند، این ارتباط بدو دلیل لازم است.

دلیل مهم اینکه این سازمانها و گروهها چون از افراد روشن فکران انقلابی تشکیل شده است و اینها سوسیالیسم علمی را آموخته‌اند و طبقه کارگر بدلیل اینکه نمیتواند مانند آنها تحصیل علم کند و در جریان مبارزه خودش هم نمیتواند بطور خود بخود سوسیالیسم علمی را بیاموزد، پس بنا بر این حتماً لازم است که هسته با این سازمانها و گروههای مبارز ارتباط برقرار نموده و با آنها جوش بخورد. دلیل دیگر اینکه اینها بواسطه همان تجربه و آگاهی‌هایی که دارند میتوانند بمبارزات روزمره هسته کمک نموده و بفعالیت هسته جهت صحیح بدهند

(*) حرفه‌ای بکسانی میگویند که تمام زندگی خود را وقف کار مشخصی کرده‌اند و کار و فعالیت دیگری ندارند. مثلاً ورزشکاری که تمام زندگی و شغلش را وقف رشته ورزشی اش کرده و شغل دیگری ندارد، حرفه‌ای نامیده میشود.

وروزمزه با کارگران است که میتوانیم هرچه بیشتر و بهتر بوظایف خودمان در قبال طبقه کارگر جا مه عمل بیوشانیم، وبهمین دلیل هم هست که برخورد مسئولانه و فعالانه شما کارگران با طرح هسته های سیاسی کارگری میتواند یکی از بزرگترین کمکها را بعمیق تر شدن و کاملاً شدن نظراتی بکنند که ما در اینجا مطرح میکنیم ما منتظر هرگونه نظرات انتقادات پیشینها - دات و خبرهایی هستیم که از جریان تشکیل هسته ها، فعالیتها آنها، مشکلات هسته ها و... بدست ما میرسانید.

پیروز باشید

تاریخ نگارش ۱۳۵۷/۱۲/۲۳

سازمانها و گروهها، سطح آگاهی خود را بالا ببرند

کارگران مبارز!

اینها مواردی بود که در مورد ضرورت تشکیل هسته های سیاسی کارگری و وظایف آن شرح دادیم ما با زهم در آینده بمسئله هسته های سیاسی کارگری اشاره خواهیم کرد. اما نکته ای که مسلم است اینست که آنچه ما در اینجا مطرح کردیم همگی نتیجه تجربیات ما در برخورد ها و تماسها - یمان با زندگی و فعالیت کارگران است و طبیعتاً هرچه بهتر شدن و کاملاً شدن این تجربیاتمان مجدداً در جریان تماسها و برخورد ها یمان با زندگی و کار کارگران امکانپذیر است. به عبارت دیگر ما در جریان ارتباط با داشتن نزدیک

قطعه نامه کارگران بیکار و اخراجی کارخانجات

شهر تبریز

صدها کارگر بیکار و اخراجی کارخانجات تبریز، در روز ۱۲/۱۲/۵۷ در فلکه نادری تبریز جمع شدند تا در محوطه باغ گلستان، با مطرح کردن دردها و مسائلشان و انتخاب نمایندگان از میان خود، برای مذاکرات با وزارت کار و... به حل مسائل کارگران بیکار و اخراجی بپردازند. اما این اجتماع مورد حمله افراد مسلح کمیته امام قرار گرفته و تعداد زیادی از کارگران دستگیر شدند مشروح این جریان را خود کارگران در نامه سرگشاده ای خطاب به داریوش فروهر مطرح کرده اند و ما در زیر شرح قطعه نامه این اجتماع که بوسیله کارگران بیکار و اخراجی تدوین شده، می پردازیم:

۱- کلیه کارگران اخراجی که در سالهای خفتان و شرایط اختناق و در بحران های سالهای اخیر از کار بیکار شده اند و یا بخاطر خواستهای برجسته خود و دفاع از منافع طبقه کارگر از کارخانه ها اخراج

بقیه در صفحه ۴۲

ما کارگران بیکار و اخراجی که محصول نارسائی ها و بحران های ناشی از اقتصاد وابسته به امپریالیسم هستیم، در اجتماع امروز شنبه ۱۲/۱۲/۵۷ خود، قطعه نامه زیر را با تصویب کلیه کارگران بیکار و اخراجی، تدوین کرده ایم:

در کردستان چه میگذرد؟

"تساوی کامل حقوق ملتها در تعیین سرنوشت خویش، بهم آمیختن کارگران کلیه ملتها، اینست آن برنامه ملی که ما رکسیم به کارگران میآموزد و اینست آنچه که تجربه تمام جهان و تجربه روسیه میآموزد." لنین، منتخب آثار صفحه ۲۷۳

تعیین نشود، و یا چون گذشته وجه المعامله سیاستهای ارتجاعی و امپریالیستی بیگانگان نگردد. خلق کرد میخواهد خودش در تعیین سرنوشت اش شرکت داشته باشد و این خواستی است عادلانه و برحق که هیچ قدرتی نمیتواند مانع آن گردد. این تنها خواسته مردم کردستان نبوده بلکه خلق بلوچ، ترکمن، ترک و... نیز خواهان حفظ ملیتهای خود در چارچوب ایران آزاد و دمکراتیک میباشد.

مردم دلیر کرد هرگز تجزیه طلب نبوده و خواستار جدا شدن از ایران نیستند. این نیروهای ضد انقلابی و عمال امپریالیسم بوده اند که تا کنون همواره خلق کرد را با مارک تجزیه طلبی مورد سرکوب قرار داده اند. نیروهای ضد انقلابی از آن میترسند که ملیتهای مختلف ایران در صورت خودمختاری و کسب حق تعیین سرنوشت خویش، هر یک بنیروی رزمنده و قویای در جهت نابودی بقایای نفوذ امپریالیسم و ایجاد یک حکومت دمکراتیک و خلقی بدل گردند. از اینرو با تمام قوا میکوشند از تحقق حقوق مسلم و طبیعی مردم کردستان و دیگر ملیتهای ایران جلوگیری نمایند. این سیاست در زمان سلطنت پهلوی منفور نیز بشکل بسیار فاشیستی وحشیانه ای اجرا میشد. رژیم سرسپرده پهلوی با سیاستهای فاشیستی خود با چسباندن اتهام تجزیه طلبی به خلقهای کرد، ترک، بلوچ و... قصد داشت ستتهای ملی و فرهنگی خلقهای ایران را رفته بقیه در صفحه ۴۲

خلق کرد در تمام طول مبارزه ای که یکسال و نیم گذشته بر علیه رژیم سلطنتی و دیکتاتوری شاه و بنا بر روی سلطه امپریالیسم بر آب و خاک میهنمان جریان داشته، دوشادوش سایر خلقهای ایران جنگیده و هزاران شهید تقدیم این انقلاب نموده است. اما متأسفانه در روزهای اخیر شاهد بوده ایم که جنگ و خونریزی در سنج کردستان براه افتاده و خلق کرد هدف توطئه های ضد انقلابی قرار گرفته است. اکنون مردم غیور کردستان همچون گذشته علیه توطئه های عوامل ضد انقلابی و عمال امپریالیسم، دلیرانه می جنگند و برای تحقق خواسته های انقلابی خود یک دم از پای نمی نشینند.

اما ببینیم خواسته های مردم کردستان چیست که برای رسیدن به آن اینگونه جان فدا میکنند و متقابلاً توطئه های ضد انقلابی علیه مردم کرد بجه منظور صورت میگیرد؟

مردم کردستان خواهان خودمختاری هستند باین معنی که حق داشته باشند بزبان خود سخن بگویند، سنتهای ملی و فرهنگی خود را حفظ کنند، مقامات اداری کردستان از میان خودشان باشد، خودشان انتظارات و امنیت شهر را بدست گیرند، در تعیین سیاستهای اقتصادی و چگونگی بهره برداری از منابع و ثروتهای ملی از آن عمل داشته باشند و در یک کلام خلق کرد خواهان آن است که دیگر سرنوشت او در اتا قهای در بسته و بوسیله کسانی که از خواسته ها و نیازهای خلق کرد خبر ندارند و میخوانند آنها را در زنجیر نگه دارند

نظام سرمایه داری و اشکال مختلف پرداخت مزد

(۳)

خلاصه‌ای از شماره‌های قبل

در قسمت‌های قبلی این مقاله نوشتیم که نظام سرمایه داری، تنها و تنها بواسطه سود و ارزشی که کارگران تولید میکنند میتواند دوام داشته باشد. کارگران در این نظام، نیروی کارشان را به سرمایه داران میفروشند و مزدی که میگیرند باید تکافوی حد اقلی احتیاجات زندگی آنها را بکنده ولی آنها معمولاً خیلی کمتر از این میزان، مزد دریافت می‌کنند.

همچنین شرح دادیم که مزد بشکل‌های مختلفی به کارگران پرداخت میشود. در شکل "گانه مزد" مزد بر حسب مدت زمان بکار پرداخت میشود و سرمایه داران در شرایط مختلفی، هر طور که بنفع شان باشد، آنرا تغییر میدهند. در شکل "کار مزد" نیز که مزد بر حسب میزان کار کارگر پرداخت میشود، استثمار بصورت وحشیانه تر و شدیدتری بکارگران وارد میشود. این شیوه، هم موجب تفرقه و جدائی هر چه بیشتر کارگران میشود و هم نیروی آنها را زودتر فرسوده میکند. بعلاوه در این شیوه، تولید خیلی سریع بالا رفته، انبارها پر شده و در نتیجه سرمایه دار برای مدتی از میزان تولید کم کرده و این امر هم، به اخراج و بیکاری کارگران و پائین آمدن سطح دستمزدها منجر میشود. در شرایط فعلی، سرمایه داران با شیادی هر چه تمامتر، این دو شیوه پرداخت مزد را با هم یکی کرده و بکار میبرند. در نتیجه مزایائی که هر یک از این دو شیوه برای کارفرمایان دارد با هم جمع شده و یکجا به نفع آنها تمام میشود. و اینک آخرین قسمت این مقاله:

اشکال دیگر پرداخت مزد:

«مزد همراه با پاداش»

از حقوق واقعی کارگر با عنوان "پاداش" به کارگر میدهد و متقابلاً او را وادار میکند که تولید بیشتری بدهد.

این نوع پرداخت مزد، از دو شیوه قبلی "مزد بر حسب زمان" و "مزد بر حسب کار" گرفته شده است. در چنین شیوه‌ای کارفرما، مقداری

در این شیوه، هم ریش و هم قیچی دست کار فرمایان است. آنها بمیل خود و بر حسب نیاز بازار، تولید را کم و زیاد میکنند و "پاداش" را قطع یا کم و زیاد مینمایند. در این شیوه، این خطر هم کارگران را تهدید میکند که بعد از مدتی که کارگران بدلیل بالا رفتن مهارت و سرعت کار، با آسانی توانستند این تعداد را تولید کنند، سرمایه دار آنها را مجبور میکند که همان تعداد را بدون گرفتن پاداش تولید کنند و یا برای گرفتن پاداش بازم تعداد تولید را بالا ببرند.

مزد همراه با پاداش که ابتدا کارگران را بخاطر کمی مزد تشویق بتولید اضافی میکند، جماعتی میشود در دست کارفرما که بر سر کارگران بزند. چون اولاً سطح تولید بالا رفته و سود زیاد می‌افزاید. بر سود همیشگی اش، بجنب کارفرما میریزد. ثانیاً: بالا رفتن تولید و پر شدن انبارها، خطریست که کارگران را به بیکاری تهدید می‌کند.

یکی از نمونه‌های این شیوه، پرداخت مزد در کارخانه بنزخورا است. در این کارخانه به کارگران بر طبق قرارداد، معادل ۱۰۰ ساعت کار، حق تولید، یا "حق پورسانت" میدهند.

البته شکی نیست که کارفرما بهیچوجه تمام این ۱۰۰ ساعت را بکارگران نمیدهد، و با فرقی گذاشتن بین کارگران و با توجه باینکه به چه قطعاتی بیشتر احتیاج دارد و کدام قسمتها باید بیشتر کار کنند و خلاصه، با بکاربردن هزاران دوز و کلک و دیدن دم سرپرستها، این حق تولید را کم میکند. مثلاً بکارگران یک قسمت ۶ ساعت حق تولید میدهد و بکارگران قسمت دیگر ۸ ساعت و سرپرستها بسیار بیشتر از اینها.

نکرده‌ایم. این فقط برای اینست که چگونگی غارتگری سرمایه داران بطور روشنی نشان داده شود.

مثلاً یک کارگر طایر سا، در مدت ۲/۵ ساعت کار ۱۰ حلقه طایر تولید میکند و در عوض روزی ۱۰۰ تومان مزد میگیرد، یعنی در مقابل هر طایر ۱۰ تومان. در حالیکه اگر درجه استعمار را صد درصد حساب کنیم، ۱۰۰ تومان هم سود تولید میکند. بنا بر این هر طایر ۲۰ تومان ارزش دارد.

در این روش سرمایه دار کارگران را مجبور میکند که در ازای پاداشی برابر ۲۰٪ حقوق و نهار "مجاناً" (یعنی از پرداخت ۱۰ ریال پول نهار معاف باشد!) ۱۲ عدد طایر بسازند. با یک محاسبه بسیار ساده میتوانیم مقدار پولی را که سرمایه دار از این دو حلقه طایر اضافی غارت میکند، نشان بدهیم:

اگر کارگر هر روز ۲ حلقه طایر اضافی بسازد و در یک ماه ۲۵ روز کار کند در هر ماه ۵۰ حلقه طایر اضافی ساخته است. در بالا گفتیم که قیمت هر طایر ۲۰ تومان است. بنا بر این کارگر با بستن دو حلقه طایر اضافی، در یک ماه معادل هزار تومان (۱۰۰۰ = ۲۰ × ۵۰) ارزش تولید میکند اما از این مبلغ، چه مقدارش را کارگر و چه مقدارش را سرمایه دار میبرد؟ گفتیم که کارگر روزی ۱۰۰ تومان دستمزد دارد. یعنی ماهانه ۳۰۰۰ تومان. حال کارفرما بر طبق قرارداد، آخر ماه ۲۰٪ اضافه دستمزد برای طایرهای اضافی بکارگر پرداخت میکند. یعنی ششصد تومان (۶۰۰ = ۲۰٪ × ۳۰۰۰). در حالیکه کارفرما ۵۰ حلقه طایر را ۱۰۰۰ تومان فروخته است. اگر پول نهار یکماه کارگر را نیز به "پاداشی" که کارفرما میپردازد اضافه کنیم ۶۳۰ = ۶۰۰ + ۳۰ تومان میشود. پس کارفرما در اینجا ۳۷۰ = ۶۳۰ - ۱۰۰۰ تومان دیگر هم از سر دو حلقه طایر اضافی از کارگر میزدد! (*)

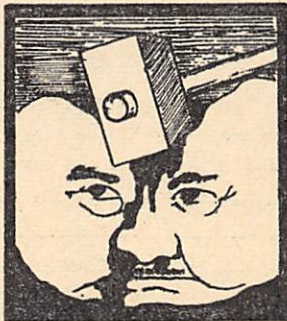
(*) - رفقای کارگر توجه دارند که ما درجه استعمار را صد درصد گرفته‌ایم و مقدار مواد اولیه و استهلاک دستگاهها و ... را محاسبه

تعیین میشود و این حق را برای خود محفوظ نگه میدارند که هر وقت و بهر دلیلی که خواستند آنرا کم کرده و یا نپردازند.

مبارزه بخاطر مزد

گفتیم که مزد از عوامل مهمی است که دو طبقه متخاصم جامعه سرمایه داری یعنی طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر را در مقابل هم و در یک حالت مبارزه دائمی قرار میدهد. در این مبارزه که هر طرف آن بخاطر منافع طبقاتی خودش که کاملاً متضاد است از منافع طبقاتی طرف دیگر است، مبارزه میکند، سرمایه داران به خاطر منفعت و استثمار بیشتر، سعی میکنند همان طور که مواد اولیه و دیگر وسایل تولید را ارزان میخرند، نیروی کار را هم ارزان بخرند و برای زمان هر چه بیشتری آنرا بکار وادارند. در مقابل، کارگران دائماً سعی میکنند که نیروی کارشان را هر چه گرانتر بفروشند تا با رقابت بیشتری زندگی کنند و زمان کارشان را کم و کمتر کنند تا توانایی کار کردن را بزودی ز دست ندهند و فشار و استثمار را تا آنجا که میشود کم کنند.

تاریخ مبارزات کارگری بخوبی نشان می دهد که دولت‌های سرمایه داری و سرمایه داران



یک مقایسه بین حقوق پایه دو کارخانه اتومبیل سازی بنزخا و جنرال موتورز، به خوبی نشان میدهد که در کارخانه بنزخا و کار فرما قسمتی از حقوق کارگران را بصورت "پور سانت" میپردازد و تنها هدفش از اینکار، رنگ و روغن زدن به بهره کشی کارگران و هر چه بیشتر کردن قید و بندهای آنهاست. مثلاً در کارخانه بنزخا و یک کارگر جو شکار فنی درجه ۱ با حقوق پایه ۱۴۰۸ تومان استخدام میشود که بعد از سه ماه حق تولید را بطور کامل میگیرد ولی در کارخانه جنرال موتورز، کارگر مشابه، با حقوق ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ تومان استخدام میشود.

مزد با سهم کردن کارگران در سود کارخانجات

یکی دیگر از شیوه‌های پرداخت مزد است. این شیوه نیز یکی از زیرنگیهای سرمایه داری است که تنها برای رنگ و روغنی کردن استثمار کارگران بکار برده میشود. سرمایه داران و دولت آنها وانمود میکنند که کارگران در سود کارخانه سهمند و علاوه بر مزد شان از سودی هم که نصیب سرمایه دار میشود، سهم میبرند. در حالی که اینطور نیست. مبلغی که بعنوان سود پرداخت میشود، جزئی از حقوق واقعی کارگر است که با اینصورت با و داده می شود. منتها این امتیاز را برای سرمایه داران دارد که تسلط بیشتری بر کارگران داشته و با ضوابطی که برای پرداخت آن تعیین میکنند، قید و بندهای هر چه بیشتری را بوجود می آورند تا کارگران را بیک کارخانه وابسته کنند و همچنین کار بیشتری از آنها بکشند.

در شیوه سهم کردن، نه تنها سهمی که بکارگران تعلق میگیرد بسیار کم است و کارگران در تعیین و تقسیم آن نظارت ندارند، بلکه، شرایط از طرف سرمایه داران و دولت آنها

شکل مبارزه کارگران از نظر دولت سرمایه داری و تحمل پذیرترین آن برای همین دولتها که خودشان هم سعی میکنند کارگران را بآن وا دارند، همین مبارزه بخاطر مزد است.

مبارزه

فقط برای نان

يك شعار سرمایه داری است.

سرمایه داران و دولت آنها، از آنجا که قدرت سیاسی جامعه را در دست دارند و بوسیله در دست داشتن این قدرت سیاسی میتوانند قوانین خودشان را بر کارگران و زحمتکشان تحمیل کنند، برایشان بسیار مطبوع و قابل قبول خواهد بود که اگر کارگران تنها صحبت از حقوق و مزایای منفی بکنند و بخواهند حرف از شرکت در سیاست نزنند و یا در مبارزه ای بخاطر بدست گرفتن قدرت سیاسی شرکت نکنند. مثلاً در همینجا برای دولت موقت ایران، بسیار آسان است که قیمت اولین کشتی حامل نفت را بحساب رفاه کارگران قهرمان صنعت نفت بریزد.

کارگرانی که حتی خود دولت هم در مورد نقش عظیمی که در سرنوشت رژیم شاه داشتند، شکی ندارد، ولی همین دولت نه تنها حاضر نیست تا کارگران در قدرت سیاسی دولت تصمیم گیریهایی سیاسی آن شرکت نمایند، بلکه از ایجاد شوراها و کارگری وحشت دارد. یعنی سرمایه داران و دولت آنها از مبارزه ای میترسند که درست رسالت تاریخی طبقه کارگر است.

این رسالت مبارزه ای را ایجاد میکند که طبقه کارگر نقش سازندگی اش را در تکامل اجتماع بشری ایفا کند، استثمار را بر طبقه کارگر اقلیت کوچک سرمایه دار و سلطه اربابانها را بر اکثریت توده های تحت ستم از میان ببرد. طبقه کارگر باید بآن نظامات وسیستم

بدون وابستگی بدولت حاکم تشکیل میدهند در آنها متشکل و متحد مبارزه میپردازند، نتوانند جزئیترین و عادیترین احتیاجات را که یک انسان برای زندگی کردن لازم دارد، به دست آورند. ولی کارگران نایستی تنها به مبارزه بخاطر مزد اکتفا کنند و فقط بآن توجه نمایند و یا تنها بخاطر مزد با کارفرمایان و دولت سرمایه داری مبارزه بپردازند چون این مبارزه در آخرین حدش به مبارزه سیاسی با دولت منتهی از نوع سندیکائی (بیاتریدینیونی)، یعنی مبارزه ای که کارگران در آن از دولت سرمایه داری میخواهند که نیروی کارشان را اگرانتریکرد و شرایط کارشان را راحت تر کند، منجر میشود.

کارگران نباید با سرمایه داران

فقط مبارزه اقتصادی بکنند.

این همان مبارزه ایست که خوددولتهای بظاهرمکراتیک غرب و در اصل، امپریالیستی و استعمارگر مثل آمریکا، آلمان، انگلستان و... که با وحشیانه ترین شیوه ها خلقهای کشورها را تحت سلطه استعمار و سرکوب میکنند، به کارگران و زحمتکشان کشور خودشان اجازه داده اند که برای اضافه دستمزد و بهبود شرایط کار، دنبال کنند و ماهروز شاهها، عتصابات روز افزون و وسیعی که در این کشورها روی میدهد هستیم.

مبارزه فقط بخاطر مزد، سیاستی است که کارگران را و میدارد تا زیر شعار ریبورژواکسی "مبارزه فقط بخاطر نان" و "مبارزه فقط بخاطر خودکارگر و خانواده اش" بسین بزنند. این مسایل بخوبی نشان میدهد که مناسبترین

خواسته های "شورای مؤسس"

اتحادیه سراسری کارگران ایران

روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه، بیش از ۵۰۰ کارگر ساختمانی، در خانه کارگر واقع در خیابان ابوحنیفان تهران اجتماع کردند تا در مورد مسائل و مشکلاتشان، تصمیمات لازم را بگیرند.

در این جلسه، از طرف "شورای مؤسس اتحادیه سراسری کارگران ایران"، خواسته های بخشی از کارگران ایران، در ۲۴ ماده خوانده شد که مورد استقبال شدیدی کارگران قرار گرفت. و این متن کامل این خواسته ها:

- ۱- برسمیت شناختن شورای کارگران که در آینده نزدیک تشکیل خواهد شد.
- ۲- تدبیر قانون کار فعلی و تصویب قانون کار جدید که کارگران در نوشتن آن، سهیم باشند.
- ۳- افزایش حقوق مطابق با افزایش هزینه زندگی.
- ۴- معافیت مالیاتی حقوق و مزایای کارگران.
- ۵- لغو پرداخت حق بیمه کارگران و برقراری مؤسسات درمانی مجانی برای کارگران، از محل درآمدهای ملی.
- ۶- تأمین مسکن برای کارگران، در حداقل زمان.
- ۷- پرداخت حقوق در ایام بستی شدن مطابق روزهای عادی کار.
- ۸- تعطیل پنجشنبه و جمعه و چهل ساعت کسار در هفته.
- ۹- بیرون راندن کلیه عوامل رژیم سابق.
- ۱۰- اخراج سرمایه داران و کارشناسان خارجی و مصادره اموال آنها بنفع کارگران.
- ۱۱- رفع تبعیض تعطیلات کارگران و کارمندان و افزایش مرخصی سالیانه به یکماه در سال.
- ۱۲- بالا بردن کیفیت خدمات پزشکی، دارویی و بیمارستانی.

بقیه در صفحه ۴۲

اجتماعی و سیاسی ای مبارزه کند که باعث می شود عده زیادی افراد بی چیز، خودشان را باقلیت کمی که صاحبان وسایل تولید و سرمایه شده اند بفروشد. طبقه کارگر باید بکمک همه طبقات واقشار تحت ستم خلقهای ما با نظام سرمایه داری وابسته مبارزه کند و با برداشتن تمامی موانع از سر راه خود، در جریان یک مبارزه پیگیر، جامعه بی طبقه و خالی از استثمار را بنا نهد.

این وظیفه ایست که در همه کشورهای سرمایه داری بعهده طبقه کارگر قرار میگیرد. برای اینکه طبقه کارگر با یستی از همان ابتدا و در هر قدم از مبارزات خویش، مبارزه بر علیه دستگاه سیاسی دولت سرمایه داری را پیش به برد. باید از همان ابتدا پایه های حزب سیاسی خودش - حزب طبقه کارگر - را بنا نهد.

طبقه کارگر، رسالت ایجاد

جامعه بی طبقه و خالی از

بهره کشی را بردوش دارد.

با تشکیل حزب و رهبری مبارزات توده ها واقشار و طبقات تحت ستم و استثمارشونده و به همراهی آنان، دستگاه دولت طبقات استثمارگر را نابود سازد و وظیفه خود را که همانا آزادی توده های زحمتکش، آزادی بشریت و از بین بردن طبقات است، ایفا نماید.

پیروزی مبارزات حق طلبانه طبقه کارگر

پایان

تاریخ نگارش ۵۷/۱۲/۱۲

شوراهای کارگری چگونه بوجود آمدند؟

بتدریج که مبارزات مردم ما اوج بیشتری می یافت و هر روز گروههای دیگری از مردم، به صف مبارزه بر علیه رژیم وابسته شاه خائن می پیوستند، قدرت رژیم نیز لرزانتر و سست تر از گذشته میشد. بیشتر شدن دافنه اعتصابات و همچنین طولانی شدن مدت اعتصابات، بتدریج نیروی رژیم را ضعیف میکرد. دیگر رژیم شاه، ارتش او، ساواک و سایر نیروهایش آن قدرت سابق را نداشتند که بتوانند جلوی این موج عظیم مبارزه مردم را بگیرند. سد دیکتاتوری و قدرت رژیم شدیداً شکسته شده و امواج مبارزات خلق های قهرمان ما، هر دم شدیدتر و طوفانی تر فرود آمده و آخرین بقایای سد دیکتاتوری و خفقان رژیم را از جا میکند و با خود می برد.

هر روز دردها و صدها نفر از سربازان از پادگانها فرار کرده و به مردم می پیوستند و در داخل ارتش، مخالفت سربازان و درجه داران جز با فرماندهان شان روز بروز شدت بیشتری میگرفت و دیگر ارتش از آن تشکل و یکپارچگی سابق برخوردار نبود.

مبارزه توده های مردم که میلیونها نفر را به مبارزه کشانده بود، عملاً ساواک را فلج کرده بود. ساواک دیگر مانند سابق با تعداد اندکی گروهها و سازمانهای محدود روبرو نبود که خوبی بتواند از عهده شان برآید. ساواک حالا با میلیونها مبارز و بقول خودش "خرابکار" و "رورویست" روبرو بود. بعلاوه مخالفت مردم با ساواکی ها روز بروز شدیدتر میشد و هر روز چندین ساواکی بدست مردم کشته میشدند و این مسئله خود موجب میشد که ساواکی ها نیز جرئت نکنند مانند سابق به همه جا سر بزنند. آنها مثل موش به لانه های خودشان خزیده بودند و با ترس و لرز شاهد اوجگیری جنبش ضد حکومتی مردم شدند. همان حکومتی که این ساواکی ها جیره خوارش بودند و بخاطر نگهداریش صدها و هزاران

نفر از آگاهترین و فداکارترین افراد خلق مان رابه زیر شکمجه و مقابل گلوله های دشمنان فرستاده بودند. گسترش اعتصابات حتی به بالاترین ادارات و سازمانهای دولتی وابسته رژیم، از قبیل وزارتخانه ها و سایر سازمانها نیز کشیده شده و در نتیجه سازمان اداری رژیم را هم روز بروز فلج تر میکرد. از جمله کمزرات کشور که با اعتصاب خود راه ورود هرگونه کالا و مواد اولیه مورد لزوم سرمایه داران را بسته بودند.

اعتصابات مداوم کارگران مبارز صنعت نفت و در نتیجه نرسیدن نفت به خارج، مهمترین سرچشمه درآمد رژیم را خشکانده و از اینطریق هر روز دردها میلیون تومان بر رژیم ضرر وارد می آمد.

اعتصابات در بسیاری از کارخانه ها و مؤسسات تولیدی، وضع صنعتی و اقتصادی رژیم را وخیم کرده و او را در بحران های عمیقی فرو می برد.

وقتی که مجموعه این ها را در نظر میگیریم می بینیم که رژیم شاه عملاً دچار فلجی شده و روز بروز بیشتر از هم می پاشید و دیگر از آن قدرت و فرمانروایی سابق، خبری نبود. قدرت گرفتن مردم کاملاً همراه با ضعیف تر شدن رژیم شاه. هر چه نیروی مردم وسیع تر میشد و میزان عمیق تری به مبارزه روی آورده میشد، بهمان نسبت هم رژیم بیشتر ضربه خورده و بیشتر تلاشی میشد و فرو میریخت.

همانطور که گفتیم هر چه میگشت قدرت و حکومت رژیم بر مردم ضعیفتر میشد و برعکس قدرت و نیروی مردم زیاد تر میگشت. حاکمیت رژیم بر مردم که از هم پاشیده می شد، لازم بود حاکمیت و قدرت دیگری جای آن را بگیرد. به علاوه، مردم در مبارزه خودشان بر علیه رژیم شاه احتیاج به تشکیلات و سازمانهایی داشتند تا با کمک این تشکیلات بهتر بتوانند مبارزه خود را متشکل کرده و بطور هماهنگ

داران مزدور در کارخانه ها، حکومت کارگران را به سر کارخانه ها بوجود می آورند .

اما هنوز این اول کار بود . مسلماً بدست گرفتن اداره يك کارخانه بوسیله کارگران آن کارخانه ، هیچ وقت نمیتواند مشکل يك طبقه چند میلیونی کارگران یا یک ملتی را حل کند . کارگران بخودی خود شاید بتوانند مثلاً در يك کارخانه حاکمیت بدست آورند اما طبعاً نخواهند



توانست رهبری را در کل کشور بدست گیرند مگر آنکه ارای حزب سیاسی خودشان باشند . بعبارت دیگر تنها در صورت تشکيل و یکپارچگی کارگران در يك سازمان سرتاسری و آنهاً تحت رهبری حزب طبقه کارگراست که امکان شرکت مستقل و مؤثر کارگران در انقلاب، و بدست گرفتن رهبری انقلاب را فراهم می کند .

اما همین بدست نیاموردن رهبری انقلاب ، شاید خود نشانه مهمی باشد از اینکه حزب طبقه کارگر وجود نداشته است و همچنین این نشان میدهد که رشد فکری و

تری پیش ببرند . لزوم تشکيل و یکپارچگی مردم، در تشکيلاتی خلقی و همچنین لزوم جانشین شدن حکومتی بجای حکومت رژیم شاه، از عواملی بودند که موجب شدند بتدریج شوراهای خلقی در نقاط مختلف کشور بوجود آیند . این شوراهای در بسیاری از محل های زندگی و کسب و کار مردم بوجود می آمدند . شوراهای محلی در محلات مختلف، شهرها و شورهائی که در ادارات و سازمان های دولتی

بوجود می آمدند و خود ، اداره امور را بدست می گرفتند ، از این قبیل هستند .

در میان این شوراهای کارگری هم به تدریج در کارخانه ها و بوسیله کارگران ایجاد شدند .

اما از آنجا که سطح آگاهی طبقه کارگر هنوز خیلی پایین است و کارگران آمادگی شرکت در این مبارزه را مانند سایر گروه های مردم نداشته اند ، از همین جهت هم این شوراهای در کارخانه ها دیرتر از جاهای دیگر تشکيل شدند اما چون سرمایه داران از ترس پیروز شدن مردم و بخطر

افتادن زندگی و ثروتشان سرعت پول های خود را تبدیل به ارز کرده و از کشور خارج میکردند و خودشان هم هر چه داشتند و نداشتند ، می فروختند و فرار را برقرار ترجیح میدادند ، و از طرفی ، دیگر ارتش و ساواکسی نبود که به آنصورت قبل بر کارگران حکومت کند ، از همین جهت زمینه برای تشکيل سازمانها و تشکيلاتی در میان کارگران که جای سرمایه داران و حکومت قبلی را بگیرد، بتدریج فراهم شده بود . شوراهای کارگری در واقع همین تشکيلات کارگری بودند که بجای حکومت شاه و سرمایه -

استفاده را برای رسیدن به حکومت مورد نظرمان نکنیم. کارگران باید از هر وسیله ای استفاده کنند تا بتوانند فاصله خود را با حکومت واقعی شان کمتر کنند.

بهین دلیل، شوراهای کارگری که بوجود آمده اند، و حتی هم اکنون هم در حال بوجود آمدن هستند، هدف اصلی شان در این مرحله، ارتباط پیدا کردن این شوراها با یکدیگر، تشکیل شورای سرتاسری کارگران ایران تحت رهبری حزب طبقه کارگر و ایجاد حکومتی مرکب از شوراهای کارگری و سایر شوراهای خلقی است که در واقع نمایندگان کلیه این شوراها، گردانندگان آن حکومت باشند. ولی در شرایط فعلی، این شوراها میتوانند برای پیدا کردن چنین قدرتی وظایف مختلفی را پیش روی خود قرار داده و پیش ببرند.

مهمترین وظیفه شوراهای کارگری، تشکیل شورای سراسری کارگران ایران برای فرستادن نمایندگان واقعی کارگران به مجلس مؤسسان و شرکت در حکومت آینده است، تا بدینوسیله طبقه کارگر که سهم اساسی در انقلاب مردم ایران داشته و هم اکنون بزرگترین و پرجمعیت ترین طبقه اجتماعی است، سهم اساسی خود را در حکومت بتواند بدست آورد.

سیاسی کارگران به آن حدی نرسیده بود که بتوانند بطور مستقل در مبارزه انقلابی شرکت نموده و رهبری انقلاب را بدست بگیرند که اینم خودش نشانه ضعف نیروهای سیاسی و انقلابی وابسته به طبقه کارگر بود. با این حساب وقتی که این عقب ماندگی هاجبران شود و حزب طبقه کارگر بوجود بیاید حکومتی برقرار میشود که یک جمهوری کاملاً خلقی است، و تحت رهبری طبقه کارگر قرار دارد. در این جمهوری، سایر طبقات یعنی روستائیان و طبقات متوسط جامعه و سرمایه داران کوچک، در قدرت سیاسی سهم داشته و بشکل دموکراتیکی در حکومت شرکت میکنند. اما در شرایطی که حکومت فعلی چنین نیست، طبعاً نخواهد توانست آن چیزی باشد که بتواند منافع کارگران، روستائیان و زحمتکشان جامعه را بر آورده کند. بهین دلیل هم هست که مبارزه کارگران برای روی کار آوردن چنین حکومتی همچنان باید ادامه داشته باشد و ادامه خواهد داشت.

اما قبول نداشتن حکومت فعلی بعنوان یک حکومت کاملاً مردمی و خلقی، طبعاً به این معنی نخواهد بود که از جنبه های ضد دیکتاتوری و آزادی های هر چند محدودی هم که در این حکومت وجود دارد حد اکثر

اگر شورا مطابق منافع کارگران نبود، چه باید کرد؟

رفیق کارگری میگفت: "در انتخاباتی که برای شورای کارگری کارخونه ما شد، براثر دخالت های آشکار و پنهان کارفرما و سایرین، متأسفانه عده ای از کارگرانی که بحد کافی آگاهی نداشتند، نماینده هائی انتخاب کردند که من بعیدمیدونم منافع کارگرا رو حفظ کنن. خودمن و یک نفر دیگه که از قسمتهای دیگر کارخونه انتخاب شدیم، چون مطمئن هستیم تو این شورا کاری از پیش نمیبریم، میخوایم از شورا بیایم بیرون."

تخصیص دهند و بهین دلیل افرادی را بعنوان نماینده انتخاب کرده اند که در حقیقت بجای دفاع از منافع کارگران، جانب کارفرما را خواهند گرفت. عده ای از این نمایندگان آگاهانه اینکار را خواهند کرد و عده ای دیگر ناآگاهانه. زیرا رفقای کارگری که این عده را انتخاب کرده اند، یکی از شرایط نمایندگان

این اصل قضیه بود. اما ببینیم کار این رفقا، یعنی بیرون آمدن آنها از شورا آیا درست است؟

بیایید قضیه را از یک طرف دیگر نگاه کنیم. عده ای از رفقای کارگر بعلت اینکه بحد کافی آگاهی نداشته اند و تحت تأثیر تبلیغاتی قرار گرفته اند، نتوانسته اند دوست را از دشمن

مقابل مسائل مطرح شده، دویاخ و دوراه حل خواهند یافت و چنانچه رفقا در مورد نظرات صحیح حد کافی آنرا روشن کنند، احتمالاً اینکه این عده از نمایندگان جانب کارگر را بگیرند، بسیار زیاد است و جبهه کارفرما تضعیف خواهد شد. اما مسئله‌ای که مهم‌تر است، فشار زایشین است. یعنی چنانچه رفقا در شورا موفق نشوند نظریاتی را که حافظ منافع کارگران است به دیگران بقبولانند، در این صورت میتوانند به خود کارگران متوسل شوند. در حالیکه رفقا ببینند که شورای کارگری بسمت کارفرما متمایل میشود، با مطرح کردن مسئله در سطح کارخانه یا کارگاه دست‌یافتاری خواهند زد. بدین صورت که با شکافتن قضیه، منشاء آن و نتایج احتمالی آن را در صورت قبول نظریات غلط شورا، کارگران میتوانند بروشنی مسائل را ببینند و تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. بعلاوه با روشن شدن موضع هر یک از نمایندگان در مقابل مسائل کارگران، این رفقا خواهند توانست با فضای عناصر سازشکار و کسانی که با کارفرما زدوبند کرده‌اند، کارگران را هوشیار کرده و احتمالاً پس از مدتی موفق بگردند این عناصر شوند. همچنین با شناساندن رفقای که از منافع کارگران دفاع میکنند، سبب جلب حمایت وسیع رفقای کارگران از این افراد شوند.

باین مسائل باید این راهم اضافه کرد که رفقا با افزایش عناصری که بر اثر دخالت‌های بیماری‌گروه‌ها، انتخاب شده‌اند و نیز بر ملا کردن موضع سازشکارانه این افراد، در عین حال موفق خواهند شد که ماهیت این گروه‌ها را نیز در معرض قضاوت رفقای کارگر قرار داده و باعث شوند که کارگران، این گروه‌ها را بدرستی بشناسند و دیگر در دام خوشحالی که آنان میگسترند، گرفتار نیایند.

حال با جمع‌بندی صحبت‌های بالا بنظر میرسد که پاسخ سؤال اول یعنی درست بودن خروج رفقا از شورا، منفی است.

راکه آگاه بودن بمسائل و از خودگذشتگی و فداکاری در جهت منافع کارگران است، ندیده گرفته اند. در چنین شرایطی، وظیفه تعدادی از رفقای آگاه که بعنوان نماینده انتخاب شده‌اند و میخواهند از منافع کارگران دفاع کنند، اما در اقلیت هستند، چیست؟ آیا این رفقا در شورا باید بمانند؟ اگر بمانند چکار کنند؟ یا شورا را ترک کنند و خود را از کارهایی که بضرر کارگران است، دور نگاه دارند؟ شکی نیست که تنها کاری دست است که حافظ منافع کارگران باشد. اما کدامیک از این دو راه بهتر میتواند در جهت منافع کارگران باشد؟

این رفقای آگاه اگر بخواهند از شورا بیرون بیایند، حداکثر بطور شفاهی و یا طی اعلامیه‌ای میتوانند دست‌یافتاری آن عده که صلاحیت نماینده بودن را نداشته‌اند، بزنند و بعنوان اعتراض باین عده، شورا را ترک گویند. اما حاصل اینکار را اولاً: تنها گذاشتن آن عده از نمایندگان است که بغلت عدم آگاهی ممکن است جانب کارفرما را بگیرند. یعنی این نمایندگان را در مقابل حقه‌های دیگر نمایندگان و کارفرما رها کنند و سبب شوند که این عده بعبود آگاه شدن از مسائل، یکسره بدام این افراد بیفتند. ثانیاً: بغلت خارج شدن از شورا نتوانند از جزئیات مسائلی که در آنجا میگردد، مطلع باشند و احتمالاً نتوانند متدبانه‌ها و زبده‌های دیگر نمایندگان با کارفرما و با دیگران اطلاع‌یابند و بهمین دلیل در افشاکردن این مسائل نتوانند بخوبی موفق شوند. اضافه بر این موارد، عمل این رفقا احتمالاً بآس و بدبینی دیگر رفقای کارگری خواهد شد که با این رفقا دارای نظریکسان بوده‌اند.

اما مسئله صورت دیگری نیز در دایره‌های می‌است که این رفقا در شورا بمانند. در این صورت آن عده از نمایندگان که واقعاً نمیکه‌اند جانب کارفرما را بگیرند، در

میادان بابلسر در یک گردهمایی به صدور قطعنامه اقدام و خواستار تشکیل سندیکا شدند.

بخواست عده کثیری از میادان در روز ۳/۱۲/۵۷ در مسجد "سادات محله" بابلسر میادان عضو شرکت تعاونی و آزاد، کارگران شیلات و میادان قرارداد شیلات دورهم جمع شده و قرار شد نسبت به تشکیل سندیکای کارگری اقدام نمایند در این جلسه عده‌ای از دانشجویان و مبارزان پیشرو بابلسر شرکت داشتند که در مورد اتحادیه‌های کارگری و سندیکا توضیحات لازم را دادند و سرانجام پس از بحث و گفتگوی بسیار قرار شد از تاریخ صدور قطعنامه ۱۰ بمدت یک هفته سندیکای میادان بابلسر تشکیل شود.

قطعنامه میادان بابلسر

پس از پایان اجلاس مورخ ۳/۱۲/۵۷

- ۱- ما میادان آزاد و کارگران شیلات که همواره تحت ظلم و ستم رژیم فاسد استبدادی بوده ایم و با ویار که حاصل دسترنج کار پر مشقت و پر خطر ماست، بر سر سفرهٔ جهان خواران جهانی یعنی مهربا - لبیم آمریکا و اروپا و عوامل مزدور آنها قرار داشت، ما که فشار استعمار را با پوست و خون خود احساس کرده ایم، معتقدیم که فقط شرکت فعالانه و آگاهانه نمایندگان کارگران ایران در بالاترین ارکان تصمیم گیری مملکت میتوانند از حق طبیعی و انسانی ما و نیاکان ما که در طی قرون از آن بی بهره بوده ایم دفاع کرده و جلوی هر نوع محافظه کاری و فرصت طلبی را بگیرد.
- ۲- ما معتقدیم که هیچ مقام و هیچ مرجعی حق دخالت و حق انحلال سندیکای کارگری را ندارد.
- ۳- ما معتقدیم که سندیکای کارگری بایستی از استقلال کامل برخوردار بوده و زیر نفوذ کارفرما و رؤسای مؤسسات و وزارت کار نباشد.
- ۴- ما معتقدیم که رهبران سندیکا و نمایندگان کارگران باید در تمام سطوح، مستقیماً و آزادانه و با رأی مخفی انتخاب شوند.
- ۵- هر صیادی که صرفاً بصید اشتغال داشته باشد نمیتواند عضویت سندیکا را قبول کرده و کسارت عضویت دریافت دارد.
- ۶- ما میادان آزاد و کارگران شیلات معتقدیم که تمامی کارگران ایران بایستی حق اعتماد داشته باشند، تا بتوانند بموقع از حقوق خود دفاع کنند.
- ۷- ما میادان معتقدیم که پس از تشکیل سندیکا بایستی صندوق اعتماد تشکیل داد.
- ۸- ما میادان معتقدیم که سندیکای کارگری بایستی در امور اجتماعی اقتصادی و سیاسی شرکت فعال داشته باشد.
- ۹- نمایندگان و فرستادگان سندیکاها بدلیل دفاع از حقوق کارگران نباید مورد هیچگونه آزار و اذیت و مجازات قرار گیرند و این موضوع باید در قوانین کارگری جدید قید شود.
- ۱۰- ما میادان کلیه قراردادهای تحمیلی سابق را که توسط عمال رژیم گذشته بوسیلهٔ ادارهٔ شیلات بابلسر منعقد شده بود محکوم نموده و خواستار لغو کلیهٔ قراردادهای هستیم.

قتل یک کارگر توسط سرمایه‌دار

یادگار شهید ناصر طحان را گرامی بدریم

رفقای کارگر!

رفیق شهید "ناصر طحان" بمدت ۱۵ سال در کارخانه کار میکرد. ناصردارای زن و دو فرزند می باشد. ماجرای قتل ناصر طحان بدین شرح است:

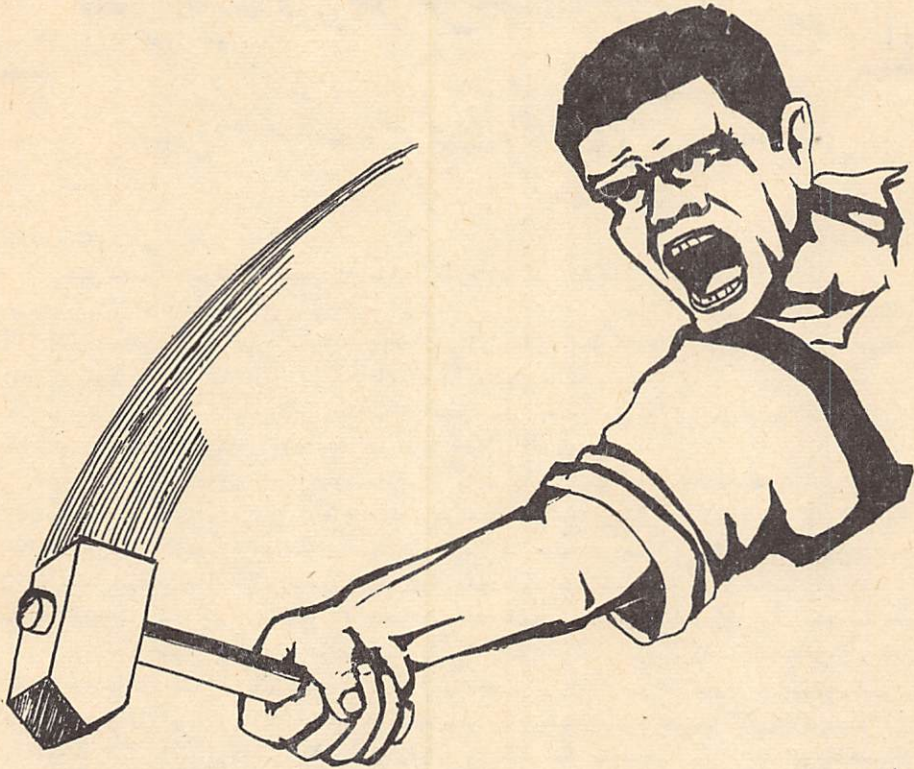
کارخانه کورا غلی در شهر صنعتی البرز (قزوین) قرار دارد. این کارخانه با فندگی است و در حدود ۱۵۰ کارگر دارد. شرایط کار این کارخانه بسیار سخت میباشد. بطوری که کارگری که روی چند ماشین کار میکند در طول مدت کار، وقت سرخاراندن ندارد. حقوق کارگران این کارخانه بسیار کم است بطوری که کارگران با سابقه ۱۵ تا ۲۰ تومان حقوق میگیرند.

کارفرما در سال جاری بارها حقوق کارگران را به تاخیر میانداخت و هر بار کارگران با دست زدن به اعتصاب او را وادار به پرداخت حقوق خود میکردند. بعد از باز شدن کارخانه، کارگران خواستار دریافت سودویژه سال جاری میشوند دست از کار میکشند. اما کارفرما که دسترنج آنها را به بیغما برده بود از دادن سودویژه کارگران خودداری میکند. لذا کارگران دست از کار کشیدند تا با اتحادیه کارگری خود سودویژه خود را دریافت کنند و به همین منظور روز ۱۳ اسفندماه کارخانه را در اختیار خود گرفته، تصمیم میگیرند تا زمانی که سودویژه پرداخت نگردد از ورود کارفرما بداخل کارخانه جلوگیری کنند. و از ورود کارفرما و پسرش بداخل کارخانه جلوگیری میکنند. بین کارفرما و مزدوران او که یک استوار بازنشسته بنام "نبنیا" درگیری بوجو د میآید. کارگران این دو مزدور را همراه کارفرما و پسرش کتک مقلی زده، حاجی کیانی (ماحب ورئیس کارخانه) را گروهگان میگیرند. شب پسر کارفرما با تفاق هشت نفر مزدور برای حمله به کارگران آماده میشوند. ابتدا بسراغ یکی از کارگران فعال رفته چون او را پیدا نمیکنند، به کارخانه میروند و کارگر فعالی را بنام "باقر آبادی" توسط بلندگو احضار کرده، به بیرون کارخانه میکشند و او را کتک میزنند. کارگران برای دفاع از او به کمکش میروند که با مزدوران قمه بدست کارفرما روبرو میشوند. در درگیری که بین کارگران و مزدوران کارفرما رخ میدهد، هفت نفر از طرفین زخمی و یک نفر بنام "ناصر طحان" شهادت میرسد. عاملین این جنایت کارفرما و پسرش، دستگیر میشوند. اما بعد از یک روز کارفرما و پسرش آزاد میگردند. کارگران این کارخانه مقصر اصلی جنایت فوق را کارفرما دانسته خواستار مجازات فوری آنان میباشند.

چه کسانی مسئول آزادی این جنایتکاران میباشند؟

رفقای کارگر!

ما کارگران در پیروزی این انقلاب (انقلابی که منجر به سرنگونی حکومت سلطنتی شد) سهم مهمی داشتیم. شرکت ما کارگران در این انقلاب بود که پیروزی انقلاب را تضمین کرد. اما نداشتن یک تشکیلات کارگری باعث گردید که ما کارگران دنباله روی خواستهای اقل و طبقات دیگر جامعه باشیم و در نهایت بعد از پیروزی انقلاب نه آنکه هیچیک از خواستهای ما کارگران بر



آورده شد، بلکه هنوز از دریافت حقوق اولیه خود محروم می‌باشیم و در مقابل جفافات و زور
گوئیهای کارفرما هیچگونه قدرتی برای دفاع نداریم و کمیته‌هایی که خود را مدافع کارگران
میدانند، جنایت کاری مانند حاجی‌کیانی را آزاد نمیکنند.

ما کارگران برای دفاع از حقوق خود به چیز احتیاج داریم: اول تشکیلات، دوم تشکیلات،
سوم تشکیلات. ما کارگران با داشتن یک تشکیلات کارگری سراسری میتوانیم از حقوق خود
دفاع کنیم.

مرگ بر حاجی کیانی قاتل ناصر!
درود بر کارگر شهید ناصر طحان!

"از انتشارات تیمی مبارزین آزادی طبقه کارگر"

۵۷/۱۲/۲۲

★★★

بقیه کردستان...

رفته ناسودسازدجوی آن را با فرهنگ ارتجاعی
وضدا نقلایی اربا با نش پرنما بد .

هم اکنون نیز نیروهای مرتجع وضدا نقلایی
که بقایای رژیم گذشته وابسته با مپریا لیسم
میباشند، عملاً چنین سیاست را پیش گرفته اند و
بعنوان مبارزه با تجزیه طلبی سینه فرزندان
دلیر و قهرمان کرد را آماج گلوله های خود ساخته
اند .

آنچه در کردستان میگذرد برای تمام خلقهای
ایران و طبقه کارگر بینهایت حائز اهمیت و
وابسته بسرنوشت همه آنهاست . طبقه کارگر
از آنجا که انقلابی ترین، آزادیخواه ترین و ستم
دیده ترین طبقه است باید از خلق کرد که برای
خود مختاری، برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش
در چهار رجب ایرانی دمکراتیک مبارزه میکند،
حمایت نماید .

ما نیز همانند تمام گروههای انقلابی و دمومو-
کرات از خواستههای انقلابی مردم کردستان
پشتیبانی میکنیم و از تمام هم میهنان مبارز
سازمانها و جمعیتهای دمکرات وضدا مپریالیست
میخواهیم که به حمایت از خواستههای انقلابی
و عادلانه خلق کرد برخیزند .

پرتوان تریا دیپوند خلقهای تحت ستم ایران

۱۳۵۸/۱/۲

بقیه خواسته های شورای موسس

۱۳- زمان استراحت کارگران که بدستور پزشک
باشد، جزء ساعت کار حساب شود .

۱۴- لفو آئین نامه انضباطی که تمام مواد آن بسه
ضرر کارگر و برفع کار فرماست مانند : جریمه نقدی .

۱۵- عدم مداخله کلیه نیروهای نظامی از قبیل
پلیس، ژاندارمری و ارتش در مسائل کارگری .

۱۶- شرکت شورای کارگری کارخانه در بررسی
سرمایه، وضع موسسه و همچنین کلیه تصمیمات
کارخانه در مورد خرید و فروش و سرمایه گذاری های
جدید و سود کارخانه و توزیع آن .

۱۷- استخدام و اخراج کارگران باید با نظر
شورای کارگران باشد .

۱۸- آزاد بودن اعتراضات و قانونی بودن اعتصابات
۱۹- سرمایه تعاونی های کارگران برگردانده شود .

۲۰- تأمین وسائل رفاهی کارگران و تأمین بهداشت
و وسائل ایمنی و تهیه غذای گرم مجانی .

۲۱- تهیه وسائل بهداشتی شامل آمبولانس،
پزشکیار، حمام، مهدکودک در هر کارخانه .

۲۲- رسمی شدن کلیه کارگران پیمانی .

۲۳- ایجاد شورای پزشکی برای بررسی وضع
کارگران از کار افتاده و بیمار .

۲۴- پائین آوردن سال خدمت برای بازنشستگی
از ۳۰ سال به ۲۰ سال برای کار .

بقیه قطعنامه کارگران بیکار

گردیده اند، باید بدون هیچ قید و شرطی بسر
کارشان برگردند و حقوق مدت بیکاری خود را باز-
پس بگیرند .

۲- کلیه کارخانه هایی که کارفرمایان از بازگشایی
آنها بعنوان مختلف امتناع می ورزند، فوراً باز
شوند و در صورت ناتوانی کارفرمایان از اداره آنها
کارخانه ها در اختیار کارگران قرار گیرند .

۳- برای بررسی مسائل و مشکلات کارگران بیکار و
اخراجی، محل تجمی تعیین گردد .

۴- صندوق بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار
ایجاد شود .

۵- دایره حفاظت کارخانه ها منحل گردیده و

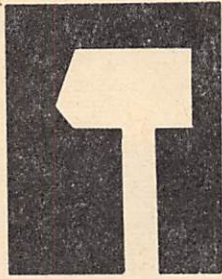
برگزاری اجتماعات برای کارگران بیکار، آزاد گردد .

۶- نمایندگان منتخب کارگران بیکار با کلیه شورا-
های کارگری برای حل مسائل در کارخانه ها، در
ارتباط باشند .

۷- نمایندگان کارگران بیکار باید در شورای انقلاب
شرکت داشته باشند .

۸- کلیه قوانین ضد کارگری سابق لغو گردند و
نمایندگان بیکار در تدوین قانون کار جدید، نظارت
مستقیم داشته باشند .

۹- دست سرمایه های خارجی از ایران، باید
کوتاه گردد .



نظرات:

(سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر)

در باره:

(برنامه دولت موقت انقلابی)

خواستند مبارزات مردم را به بند بکشند و توده های مردم را با رژیم شاه آشتی بدهند و با علم کردن قانون اساسی بتوانند رژیم شاه جلاد را بر سرپا نگهدارند، نقش بر آب شود مردم به پا خواسته و خشمگین ما اجازه ندادند نقشه این سازشکاران بجای بی برسد. این مسئله تشا ندهنده قدرت مردم ما در رویارویی با دشمن تاندان مسلح بود.

ولی بنظر ما وقتیکه نظام و ساختمانی را خراب کردیم و بعلمت ضد خلقی بودنش آنرا از هم پاشانیدیم، باید ساختمانی بجایش بگذاریم که بدرد مردم و نیازهای آنها بخورد. چون اگر در ساختن این نظام جدید دست نداشته باشیم، با قیمانده های رژیم قبلی که هنوز در گوشه و کنار مملکت منتظر فرصت هستند، جان پیدا کرده و باز در کارها اخلال خواهند کرد و یا سعی خواهند کرد که با توبه کردن ظاهری و خوش رقصی و ظاهری در رژیم جدید نفوذ کرده و به این ترتیب غارتگری و استبداد خود را بصورت دیگری برقرار کنند.

بنظر ما برای جلوگیری از این پیشامد و واقعه ناگوار، همان طبقات زحمتکشی که در جریان انقلاب و سرنگونی رژیم سابق نقش فعالانه و تعیین کننده ای داشتند، باید نظام و قوانین رژیم جدید را درست بکنند. زیرا که اینها خودشان بهترین کسانی هستند که دردهای

کارگران مبارز!

غارتگران و چپاولگران بین المللی با مفتخورها و سرما بیداران داخلی همدست شدند و مردم ما را چپیدند و نتوانستند منابع زیر زمینی از جمله نفت و مس و... ما را با لاکشیدند و جیبهای خود را پر کردند.

تا نتوانستند آزادی ما را گرفتند و نگذاشتند ما آگاه شویم. چون میدانستند که اگر خلقهای ما آگاه شوند و بدزدیها و غارتگریهای سران و گردانندگان مملکت (شاه و اطرافیان و سرمایه داران) پی ببرند، دیگر آنزمان همه مردم با تش تبدیل شده و دم و دستگاه هیئت حاکمه و رژیم جبار را با خاکستر تبدیل میکنند.

ولی تلاش رژیم، بی فایده بود و بالاخره هر قدر بیشتر مردم ما فشار آورد و هر قدر بیشتر ظلم کرد، مثل فنری که بعد از فشار دادن زیاد بالا بپرد، دیگر رژیم شاه سابق نیز نتوانست بیشتر از این فشار بیاورد و بالاخره خلق ما مانند فنر از هم باز شد و با فشار هر چه تمامتر انگلهای مفتخور را بگوشه ای پرتاب کرد.

دیگر مردم آگاه شده بودند و میدانستند که تا موقعیکه رژیم سلطنتی و باران غارتگری کشور ما حکومت میکنند، هیچ حرفی از تغییر وضع مردم نمیتواند بیامان بیاید و به همین علت بود که تمام سعی و کوشش عناصر سازشکار و فرمت طلب که در طول مبارزات قهرمانانه خلقهای ما می

ما معتقد هستیم که این برنامہ خواسته‌های حداقل مردم ما جواب می‌دهد. این خواسته‌های حداقل در طول مبارزات مردم ما برای سرنگونی رژیم شاه بصورت شعارهای مختلفی و با شکل گوناگونی مطرح شده است. این خواسته‌ها برنامہ همان رژیم جمهوری و همان نظامی است که می‌باید بعد از انقلاب جانشین رژیم شاه خائن بشود.

الف - "دولت موقت انقلابی" در درجه اول باید آن تشکیلات و دولتی باشد که از درون قیام قهرآمیز توده‌ها سر برآورد و باشد و بتواند از دستاوردهای انقلاب دفاع بکند و بپایه‌گذاری برنامہ‌های صحیح انقلاب را عملاً محو کند.

سلطه امپریالیسم در ایران ادامه دهد. همانطوریکه قبلاً هم اشاره کردیم کسی نمیتواند از دستاوردهای این انقلاب دفاع و نگهداری کند، مگر همان طبقه‌ای که در سرنگونی این رژیم با اندازه نیرویشان شرکت داشتند.

ب - دولت موقت انقلابی، وظیفه دارد که امکان فعالیت آزاد را برای تمام گروهها و احزاب سیاسی بوجود آورده و به هیچ وجه و عنوان جلوی آنها را نگیرد و محدودیتی برای تبلیغات و فعالیتها در این گروهها و سازمانها پیش نیاید. مخصوصاً وقتیکه انتخابات انجام میگیرد باید همه مردم بتوانند پس از اینکه به برنامہ‌ها و نظرات گروههای مختلف سیاسی آشنائی پیدا کردند بدون هیچ فشار و محدودیتی نمایندگان واقعی خود را انتخاب کرده و می‌توانند برای تحقق خواسته‌های آنها فعالیت بکنند، انتخاب کرده و به مجلس مؤسسان بفرستند.

مجلس مؤسسان وظیفه دارد که با توجه به خواسته‌های مردم، قانون اساسی و قوانین مطبعت را بنفع اکثریت مردم یعنی طبقات زحمتکش و متوسط جامعه تدوین و تصویب کند. در این مجلس به هیچ وجه سرمایه‌داران

خودشان را، یعنی دردهای خلق زحمتکش ما را می‌دانند و آنچه که مسلم است و آنچه که خواسته‌های مبارز و قهرمان ما در این مرحله میباشد و در طول مبارزات یکی دو ساله اخیر خود نشان داده‌اند، همان قطع کامل نفوذ امپریالیسم در ایران و جانشینی یک جمهوری دمکراتیک خلقی میباشد، که این جمهوری میتواند آنچه که خلقهای ما میخواهند جواب مثبت بدهد و مانع جان گرفتن دوباره عناصرا قبیله‌نده از رژیم قبلی بشود و هم نهادها و ارتجاعی و ضد خلقی را که از گذشته برجای مانده اند از ریشه نابود کند.

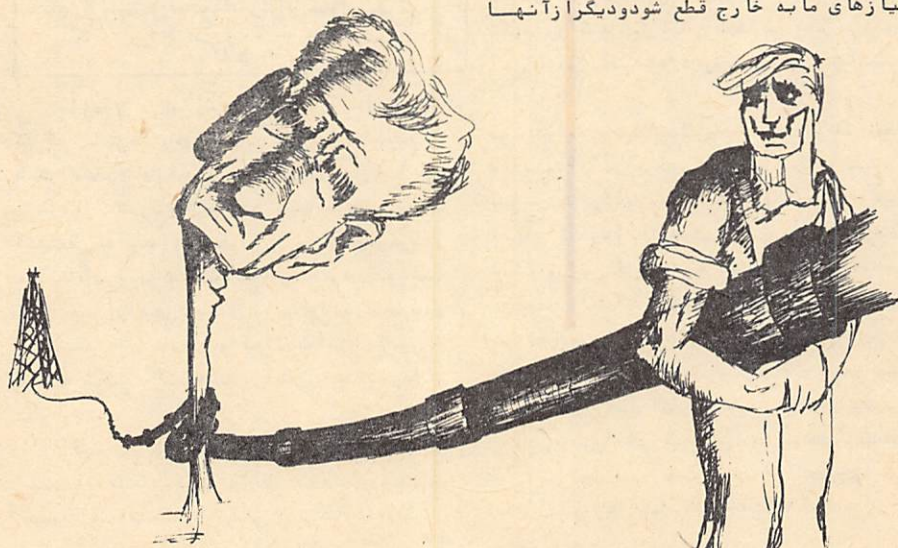
دولت موقت انقلابی باید در جهت قطع کامل وابستگی به سرمایه‌داران خارجی حرکت کند

سازمان ما (سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) با توجه به خواسته‌های ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای قهرمان ما در طول مبارزات اخیر برنامہ‌ای تدوین کرده که میباید دولت موقت انقلابی که بعد از سرنگونی رژیم سابق بر سر کار می‌آید، آنرا پایه کند. تا اینکه مردم بتوانند به خواسته‌های واقعی خودشان برسند و امپریالیسم و سرمایه‌داران خارجی واقعاً دستشان از کشور ما کوتاه شود تا واقعاً دستاوردهای انقلاب به‌دور نرود...

البته بنظر ما باید "دولت موقت" را "شورای انقلاب" انتخاب کند و شورای انقلاب هم عبارت است از نمایندگان واقعی طبقات و قشر شرکت‌کننده در مبارزه برای سرنگونی رژیم که فعالانه نقش داشتند، یعنی نمایندگان واقعی کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهر و روستا و طبقه متوسط (روحانیون، بازاریها و...) ما این برنامہ دولت موقت پیشنهادی سازمان را به زبان ساده و با توضیحات لازم در اینجا می‌آوریم.

کدائی نکنیم و بتوانیم روی پای خودمان با ایستیم. فقط با بی‌نیازی ما از خارج است که میتوانیم استقلال داشته باشیم و کشورهای دیگر و خارجیها نتوانند در امور کشور ما دخالت کنند. بنظر ما باید دولت موقت در عمل کارهای زیر را انجام دهد تا ما بتوانیم وابستگی خود - ما را با خارج قطع کنیم و روی پای خود با ایستیم:

۱- باید تمام داراییها و زمینها و کارخانهها - ثی که متعلق به دربار پهلوی و وابستگان آنها (که معروف به هزارفامیل) میباشد بفرع مردم مصادره شده و از آنها گرفته شود و دولت با ملی کردن آنها از این اموال در جهت منافع مردم استفاده کند.



۲- باید تمام شرکتها و مؤسساتی که وابسته به کشورهای خارجی و امپریالیستی میباشد و در غارت ثروتهای ملی و مستم بخلقهای ماسهم عمده - ای داشته اند توسط دولت موقت ملی اعلام شده و بفرع مردم از آنها استفاده شود. این کارخانه جات باید بطریقی اداره شوند که بتوانند و -

وابسته و تماما می نوکران دیروزی و امروزی امپریالیسم و رژیم فاسد گذشته نمیتوانند راه پیدا کنند و نباید در این مجلس وجود داشته باشند.

۳- دولت موقت انقلابی باید برنامه دولت را طوری تنظیم کرده و بعمل در بیاورد که تمامی وابستگیهای کشور ما را به بیگانگان قطع کند. و چون کشور ما با خود فروختگی شاه سابق، هم از نظر اقتصادی هم از نظر سیاسی و فرهنگی و نظامی بکشورهای خارجی وابسته شده است و طوری بنا شده که مطلقاً نمیتوانیم بدون آرد آمریکا، یا گوشت استرالیا یا... نیازهای خودمان را خودمان فراهم کنیم، به همین جهت باید دولت موقت برنامه‌ها را پیاده کند که این نیازهای ما به خارج قطع شود و دیگر از آنها

نظارت داشته باشد. بعلاوه شوراها یکی رگری، باید در تدوین "قانون کار" نیز شرکت داده شوند و "قانون انقلابی کار" با نظارت و دخالت این شوراها تهیه و تدوین شود.

دولت موقت انقلابی باید مجموعه‌ای از نمایندگان شوراها حقیقی باشد

برای اینکه بتوانیم این برنامه را اجرا کنیم، اقدامات اولیه‌ای را باید بطور فوری به مرحله اجرا درآوریم. این اقدامات عبارتند از:

- تشکیل شوراها و کارگرانی که نمایندگان واقعی کارگران، بدون زورگویی و دوز و کلک کارفرما کارگران، بر اساس صلاحیت خود و مراجعه به سابقه گذشته کارگران، مبارزترین و مساعداًترین کارگران را برای شرکت در شورا انتخاب میکنند.
- با یک کلیه سندیکاها و اتحادیه‌های فرمایشی که سابقاً از طرف ساواک و عوامل کارفرما ایجاد شده است، منحل شده و با انتخابات واقعی، سندیکا-های واقعی تشکیل شود.

● با ایدقانون انضباطی و جرایم کار لغو شود تا بدین ترتیب کارگران از این قید و بند سرباز-خانه‌ای رژیم سابق رهائی یابند.

● با اید حقوق کارگران و کارمندان تا حدی افزایش یابد که تمام احتیاجات ضروری و رفاهی یک خانواده ۵ نفری را تامین بکند. میزان این حداقل حقوق بوسیله نمایندگان واقعی خود کارگران و کارمندان معلوم و مشخص میشود.

● این حداقل حقوق میباید همراه با اضافه شدن

بستگی اقتصادی ما را به بیگانگان از بین ببرند و دست امپریالیستها را از آب و خاک کوتاه نمایند. امپریالیستها در کار خنات و شرکتها نمی‌مانند کار خنات تا تو میبیل سازی (ایران ناسیونال، رنو، مزدا، جنرال موتورز خاور) و سایر خانگی و... و سایر شرکتها و وسیع کشت و صنعت و... سرمایه‌گذاری کرده‌اند. مثلاً اگر موتورژی از ازارج نرسد، کارخانه رنو بهیچ دردی نمی‌خورد. در دولت موقت انقلابی، باید با آموزش مهندسين و کارگران خودمان و با برنامه ریزی بتوانیم صنایعی بوجود آوریم که اولاً همه محصولاتش بدردا کثرت مردم ما بخورد و ثانیاً در تولید این محصولات خارجیها دست نداشته باشند.

۳- باید تمام بانکهای ملی اعلام شده و توسط دولت موقت انقلابی دارائی آنها مصادره شود. چون تمام دارائی‌ها را بین بانکها از مردم گرفته شده و اینها هیچ کاری نکرده‌اند جز بدبختی و فقری و بیخاک سیاه نشان دادن مردم ما. در عوض برای کمک و اداره امور مملکت بانک واحدی ایجاد نشود که دیگر آن بانک دروا را دادند، خون ملت را نمکد و صرفاً برای کمک بمردم و ام در اختیار آنها بگذارد.

۴- تمام کارخانه‌ها و صنایع بزرگ (که صنایع ما در معروف است) مثل صنعت نفت و صنایع وابسته بآن، معادن، ذوب فلزات و حمل و نقل (راه آهن، هواپیما و...) ملی اعلام شده و سپس در جهت منافع مردم زحمتکش ما براه انداخته شوند.

۵- برای اینکه سرمایه‌داران نتوانند در سود جویی بیکه‌تازی کنند و برای اینکه نتوانند در تولید و فروش کالاگرا نفروشی کرده و با در حساب و کتاب کارخانه‌ها حقه‌بازی بکنند، باید شوراها کارگران هر کارخانه بر نحوه تولید و توزیع آن کارخانه و همچنین بر امور مالی آن کارخانه

وبیمه درمانی نیز کاملاً مجانی باشد و در عوض باید تمام مالیاتهای مملکتی زشروتمندان و کردن کلفتها و مقامات عالیرتبه و... گرفته شود، تا چرخ مملکت بچرخد.

● درقانون کار جدید باید وضع بیمه درست شده و کارگران مریض توسط شرکتهای بیمه سرگردان نشوند و فقط مقداری داروی بی‌خاصیت بآنها تحویل داده نشود. بلکه از تمامی امکانات مملکت برای دوا و درمان کارگران استفاده شود و همچنین تعداد روزهایی که کارگران مریض هستند باید حقوق آنها از اولین روز تا آخرین روزش پرداخت شود.

● باید کلیه کارگران و کارمندان در سن ۴۵ سالگی و یا بعد از ۲۵ سال کارکردن بازنشسته شوند.

● باید تمامی زمینها و اراضی خاندان منفور پهلوی و اطرافیان آنها * کاملاً مصادره شده و ملی اعلام گردد. این زمینها باید به "شورای

بانک باید ملی شده و دارایی آنها توسط دولت موقت مصادره شود.

انقلابی دهقانان" که از نمایندگان دهقانان هرمنطقه بوجود میآید، داده شود. و این شورا این زمینها را در اختیار دهقانان بزمین ویی چیز قرار دهد تا دهقانان ما برای سیرکردن شکم خود در شهرهای مختلف سرگردان نشوند و بتوانند بزرگت و کشاورزی پرداخته و احتیاجات داخلی مملکت را تامین بکنند.

* باید توجه داشت که در هرمنطقه ای بهترین و مرغوبترین زمینها را داد و دسته غارتگر پهلوی بزور از مردم گرفته بودند.

میزان مخارج زندگی (مثل غذا، میوه، پوشاک، کرایه، زمین و...) اضافه شود و هر وقت که مخارج زندگی مثلاً ۱۰۰۰ تومان بالافزاید حقوق کارگران و کارمندان نیز حداقل ۱۰۰۰ تومان بالارود.

● ساعات کاری باید حداکثر ۴۰ ساعت در هفته بشود و ساعات رفت و برگشت همه جزء ساعات کار محسوب شود تا برخلاف گذشته کارگران بتوانند بخانواده خود، بفعالیتهای اجتماعی، بمطالعه و... برسند.

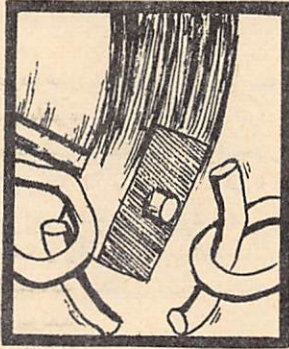
● در رژیم گذشته مرخصی با مزد برای کارگران ۱۲ روز در سال بود که معمولاً آنرا هم بیشتر کارگران برای گذران زندگی خود کار نمیکردند. ولی از این بعد در قانون کار جدید باید "مرخصی با مزد" ۱۲ روز بیک ماه افزایش یا بدتاکارگران بتوانند به گردش و تفریح و استراحت نیز بپردازند.

● بعلت اینکه همیشه کارگران و کارمندان مقدار زیادی از مزد خود را به کرایه خانه میدهند، و بعلت بالابودن کرایه خانهها همیشه از این طریق فشار زیادی بکارگران وارد میآید، باید

دولت با پیاده کردن برنامه‌های برای کارگران و کارمندان جزء خانه‌های سازمانی درست کرده و برایگان و مجانی در اختیار کارگران و کارمندان جزء قرار دهد. و تا مدتی که مسکن آماده نشده، باید پولی معادل کرایه ۲ اتقاق از طرف دولت بکارگران و کارمندان جزء پرداخت گردد.

● بعلت کمی دستمزد کارگران و کارمندان (به خصوص کارگران) باید مالیات از حقوق کسر نشود

۷- هوائی، سربازان فراری و... و انقلابیون و سازمانهای مسلحی که در قیام مردم شرکت داشتند و... بعلاوه، تمام سازمانها و تشکیلات اداری ارتش، پلیس، ژاندارمری و دستگاههای جاسوسی باید برانداخته شود.



۸- باید در کنار ارتش خلقی، افراد و سازمانها و انقلابیون را و طلب مسلح باقی بمانند تا با قدرت هر چه تمامتر از هجوم و حمله ضد انقلابیون جلوگیری شود و مخصوصاً این نیروها را با طلب باید تحت هدایت و فرماندهی شوراها و خلقی (کارگری، دهقانی، محلی، اداری و...) قرار گرفته و با آنها همکاری مشترک داشته باشند تا اگر عناصر ضد انقلابی وابسته بر رژیم سابق دست بحمله بر علیه دستاوردهای انقلاب زدند، زود عمل کرده و عناصر ضد انقلابی را تنبیه و مجازات کند.

۹- باید تمام عناصر خاندان منفور پهلوی (و در درجه اول شاه خائن) محاکمه و بسزای اعمال خود برسند. همراه خاندان پهلوی، تمام عناصر و جنایتکارانی که رژیم قبلی را سرپا نگه داشته بودند، باید محاکمه و مجازات شوند. باید وزراء دولتها و کابینه‌های قبلی که بعد از دولت ملی مصدق روی کار آمده اند محاکمه و مجازات شوند. باید تمام میسران ارتش امیران و فرماندهان، افراد جناحیتکاران روموشرا واک و... و خلاصه کلیه کسانی که در طول بیش از ۵۰ سال حکومت ننگین پهلوی به هر طریقی در چپاول و غارت سرمایه‌های ملی و دسترنج مردم زحمت کش و ایجا د خفقان و دیکتاتوریت شرکت داشتند محاکمه شده و بسزای اعمال خود برسند.

۱۰- باید ارتش قبلی که از رژیم شاه نگهداری و حمایت میکرد متلاشی شود و بجای آن، ارتش خلقی ایجاد شود. ارتش خلقی تشکیل میشود از داوطلبان خلقی، افراد انقلابی ارتش قبلی که در جریان مبارزه بمردم پیوسته اند مثل همافران نیروی

۱۱- برای اینکه بتوانیم دست خارجیها را از کشورمان کوتاه کنیم باید از صنایع داخلی و کارخانجات متوسط و کوچک حمایت شود تا محصولات داخلی را در بازار مصرف داخلی بگیرد و اجناسی که ما می توانیم در داخل تهیه کنیم باید هر چه زودتر از ورود آنها از خارج جلوگیری شود.

۱۲- تمامی مستشاران و کارشناسان خارجی و دولت‌های امپریالیستی (مثل آمریکا، انگلیس، اسرائیل) باید از ایران اخراج شوند. این کارشناسان خارجی، همان افرادی هستند که با واکیها را تربیت میکردند تا خوب شکنجه کنند فرماندهان مزدور ارتش را آموزش میدادند و کمک میکردند تا مبارزات خلقی ایران را سرکوب کنند. این مستشاران و کارشناسان تجر بیات زیادی در سرکوب و کشتار مردم جهان از

۱۷- با ایده‌های ایرانیان در مقابل قانون دارای حقوق یکسانی باشند و هیچ پارتی‌بازی و تبعیض و تفاوتی در بین نباشد. این حق در مورد تمامی زنان و مردان و کارگران و کشاورزان و مسلمان و مسیحی و... یکسان و مساوی اجرا شود.

۱۸- باید تمام خلقهای ایران (مثل کرد، ترک، بلوچ، عرب و...) دارای حق خودمختاری باشند. این خودمختاری در چهارچوب ایران و با حفظ ایرانی بودن این خلقها مورد نظر است. بطوریکه تمامی خلقهای ایران بتوانند در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی خود خودشان تصمیم بگیرند و از حقوق اولیه خود مثل تعیین برنامه‌های اقتصادی... خواندن و نوشتن و لباس پوشیدن و خلاصه طرز زندگی خود، برخوردار باشند.

۱۹- بعزت ظلم و ستم بیش از حدی که به زنان ایران در رژیم سابق وارد آمده است و زنان ما شخصیتی عروسکی میساختند، میباید در رژیم انقلابی، آزادی کامل بزنان داده شود و مردان هیچ امتیاز خاصی نسبت بزنان نداشته باشند و زنان ما نیز بتوانند مستقل و آزادانه فکر کنند، انتخاب کنند و زندگی کنند.

۲۰- باید روابط خارجی

گذشته ایران بکلی عوض شود و روابطمان با کشورهای ارتجاعی و ضد

انقلابی مثل اسرائیل و کشورهای نژادپرست مثل رودزیا و آفریقای جنوبی قطع شده و در عوض با کشورهای واقعا سوسیالیستی و مترقی و انقلابی مثل ویتنام، آلبانی و... روابط دوستانه‌ای داشته و با آنها در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم مبارزه کنیم. بی‌مانند آغاز کنیم و همچنین ایجاد روابط متقابل با سایر کشورها.

جمله خلقهای ویتنام، ظفار، فلسطین و... دارند.

۱۲- لغو کلیه قراردادهای اسارت‌آور امپریالیستی اعم از اقتصادی، سیاسی، نظامی و غیره - هنگی که در دوران حکومت ننگین پهلوی بر مردم ایران تحمیل شده است.

۱۴- باید در داخل کشور آزادی قلم، بیان، اجتماعات و مطبوعات کاملاً تأمین شود و هیچ سانسور و اختیاتی در بین نباشد. همچنین برای کلیه کارگران و کارمندان و... حق اعتصاب داده شود تا اگر حقشان ضایع شود، با اعتصاب بتوانند حقشان را بگیرند. بعلاوه، کلیه نیروها حق دارند دست به تشکیل اتحادیه، جمعیت و حزب سیاسی بزنند.

۱۵- در انتخابات مجلس مؤسسان (که کارگزاران گذاری مملکت را برعهده دارد) و سایر سازمان‌های محلی باید آزادی کامل مراعات شود تا مردم بتوانند بطور مستقیم و مخفی (طوریکه هیچکس نتواند محدودیتی ایجاد کند) به افراد مورد نظر خود رأی داده و آنها را به مجلس بفرستند و تمام افراد تابع ایران که بسن ۱۶ سالگی رسیده‌اند، بتوانند مثل یک فرد آزاد در انتخابات شرکت کنند.

زمین‌های زراعتی باید در اختیار شورای انقلابی دهقانان گذارده شود

۱۶- باید تمامی سازمانها و انجمنهای شهری و روستائی و محلی و منطقه‌ای که رژیم قبلی برای دفاع از منافع خود بوجود آورده بود، از بین رفته و منحل اعلام شوند و بجای این انجمنها، شوراهای انقلابی شهر و محله و روستا و منطقه ایجاد شود که این شوراها توسط خود مردم محل و شهر و روستا انتخاب شوند.

رفقای کارگر!
 اینها وظایفی است که در مقابل یک دولت
 انقلابی قرار میگیرند و از نظر ما تنها آن دولتی
 واقعاً انقلابی و واقعاً طرفدار منافع خلقهای
 مبارز است که تمامی این وظایف را به بهترین
 وجهی با انجام رساند.

انقلاب را تا نابودی قطعی سلطه و نفوذ
 امپریالیسم ادامه دهیم!

۲۱- در ادامه سیاست خارجیمان باید از مبارزات
 کارگران کشورهای امپریالیستی که هنوز
 پیروز نشده اند دولتی مبارزه میکنند پشتیبانی
 کامل بکنیم و با آنها از هر نظری کمک کنیم تا
 آنها نیز پیروز بشوند. همچنین از مبارزه تمامی
 خلقهای تحت ستم جهان بطور جدی و قاطع ،
 پشتیبانی کنیم. مخصوصاً همکاری و کمک کامل
 به خلقهای قهرمان فلسطین و ظفار که با سر -
 سختی تمام با رژیمهای تجار و زکارتجاری
 مثل اسرائیل و عمان در حال مبارزه هستند.

پیش سوی تشکیل ارتش مسلح خلق!
 برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!



روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

”روز جهانی کارگر“

را با شکوه هر چه بیشتری برگزار کنیم.



از انتشارات حوزه‌ای

” سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر “

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org